

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۹۸ / سال نهم / اسفند ماه ۹۹ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



روز جهانی زن بر زنان کشورمان، شادباش!





# پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

[vsyndica@gmail.com](mailto:vsyndica@gmail.com)

[s\\_felezkar@yahoo.com](mailto:s_felezkar@yahoo.com)

[gmail.com@sfelezkar1961](mailto:gmail.com@sfelezkar1961)

[www.sfelezkar.com](http://www.sfelezkar.com)

[irunionmessenger@gmail.com](mailto:irunionmessenger@gmail.com)

ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۹۸

اسفند ۱۳۹۹ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی ص ۱۲

گزارشاتی از تجمع سراسری بازنشستگان! ص ۳۰

اتحاد اعضای صندوق های بازنستگی! ص ۳۵

کارگران در هر سیستمی مالک کارخانه هستند! ص ۳۹

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۳

وقتی من مادر می گویم «خسته ام» ص ۴۵

ماه بانوی زندگیاات را پیدا کن! ص ۴۶

فقط کفش هایش! ص ۴۸

زنان گندمکار خوزستان ص ۵۰

درسامه (۹) ص ۵۱

یاد بگیریم و به کار بندیم! ص ۵۳

عملکرد نولیبرالیزم را بشناسیم (۱) ص ۵۴

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس [sfelezkar.com](http://sfelezkar.com) و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

#کانال\_رسمی\_سندیکای\_کارگران\_فلزکار\_مکانیک\_ایران

مراجعه کنید

## روز جهانی زن را گرامی می‌داریم!

هشت مارس روز زنان بی‌چهره‌ای است که داستان زندگی‌شان جذابیت رسانه‌ای ندارد، داستان‌شان تکرار ستم‌دیدگی و محرومیت است. ۸ مارس روز زنان کارگری ست که در کارگاه‌های کارآفرینان و نیکوکاران و خیرها استثمار می‌شوند. روز زنانی است که در مناسبات سرمایه‌داری انسان به حساب نمی‌آیند. ۸ مارس روز جهانی زن، درحالی‌فرا می‌رسد که زحمتکشان در سراسر جهان وضعیت خوش‌آیندی ندارند و این برای زنان جهان وضعیت بدتری را رقم زده است. زنان در سراسر جهان درک کرده‌اند که تا لغو نابرابری اجتماعی، رسیدن به خواسته‌ها در سیستم سرمایه‌داری ناممکن است. به همین دلیل زنان ایرانی دوشادوش مردان به اشکال مختلف مطالبات برابرخواهانه خود را در جامعه گسترش می‌دهند، مطالباتی از قبیل فقرزدایی و لغو قوانین تبعیض آمیز و محدودیت‌ها در امر اشتغال و تحصیل زنان و فراهم آوردن قوانینی در جهت اشتغال دستمزدبرابر، افزایش حداقل دستمزد زنان (و مردان) کارگر براساس سبد معیشت خانواده، حق ارث و دیه برابر، دسترسی به مهدکودک، داشتن بیمه، نبود آزار جنسی در محیط کار و فضای عمومی، تصویب قوانین حمایتی در زمینه منع انواع خشونت به ویژه خشونت خانوادگی، چند همسری، حق حضانت، لغو کودک همسری، توانمندسازی زنان به ویژه برای قشرهای محروم زنان، کاهش نرخ بیسوادی و رشد آموزش‌های تخصصی زنان، با مبارزات متحد با مردان در جامعه اتفاق خواهد افتاد. امروز پرستاران درصاف مقدم مبارزه برای غلبه به کرونا هستند. مردوزن بدون اغماض مرگ به سراغشان می‌آید پس چرا باید در رفاه و حقوق مدنی و سیاسی و صنفی برایشان تبعیض قائل شد؟ سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران روز جهانی زن را به همه زنان میهنمان از جمله زنان مبارز فعال در عرصه دفاع از حقوق زنان به ویژه آنان که اکنون در زندان هستند، وکلای زن، پرستاران، کارگران و کارمندان زن، زنان کشاورز، زنان تن‌فروش، دختران قالیباف، آموزگاران، زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست، زنان خانه‌دار، دختران کار و خیابان، زنان کارتن‌خواب، دختران کوچک فال‌فروش و گل‌فروش و مادران فردا شادپاش گفته و کوشش خواهیم کرد که سندیکا را به میان مزدبگیران ببریم. بیایید دست در دست هم برای تغییر این شرایط غیرانسانی مبارزه کنیم. برابری، آزادی، عدالت، همبستگی و صلح شعار همیشگی جنبش زنان بوده و هست. بدون زنان، هیچ جنبش فراگیر واقعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. این اعتقاد ماست و برای آن می‌کوشیم. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران -

## یک جانبه گرایی تثبیت شده در شورای عالی کار

کارگران و زحمتکشان ایران، روند تعیین حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۰ با تمام تلاش گروه کارگری متاسفانه از سبد معیشت پیشنهادیش از ۹ میلیون تومان، با شانتاژهای کارفرمایان به ۷ میلیون تومان رضایت داد تا به موضوع تعیین حداقل دستمزد ورود کنند. آنچه در سالهای گذشته روی داده موضوع یک جانبه گرایی به جای سه جانبه گرایی است. دست و پا زدن گروه کارگری در این نشست های یک جانبه گرایی، بی تردید به آنچه خواست زحمتکشان که همانا بالا بردن قدرت خرید کارگران است، منجر نخواهد شد. گرانی ها آن قدر قدرت خرید مردم را پایین آورده است که حتا رییس شورای شهر تهران در اظهاراتی دستمزد خود را با وضعیت دلار مقایسه کرده و ناراضی است. در سال گذشته حداقل حقوق ۱ میلیون ۹۰۰ هزار تومانی با دلار ۱۲ هزار تومان اجرایی شد و اگر گروه کارگری بخواهد همین حداقل را حفظ کند باید به دوبرابر این حداقل یعنی با دلار ۲۵ هزار تومانی به ۴ میلیون تومان رضایت دهد. که تازه با سبد معیشت امضا شده ۴۵ درصد و با خط فقر ۳ برابر فاصله دارد. انتظار داشتن از مجموعه ای که کارفرما و دولت با هوشمندی آنان را به حداقل ها راضی کرده اند، انتظاری است عبث.

بیش از دو سال است که دلالتان موسسه نذر و اشتغال اصفهان به دولت می گویند در مذاکرات مزدی باید از مزد توافقی و منطقه ای حرف زد. یعنی اگر کسی در سیستان و بلوچستان راضی به حقوق ماهیانه ۵۰۰ هزار تومانی بدون بیمه و دیگر مزایای کار است، نباید جلوگیری کرد تا بتوان اشتغال زایی!! کرد. برای اثبات این موضوع کافی است به ترکیب کارفرمایان مذاکره کننده نگاه کرد. به جز آقای رزاقی که یک کارخانه دار مواد غذایی است و امسال سود خوبی هم برده مابقی اعضای کارفرمایی هیچ کارخانه ای ندارند و به عنوان دلالتان اعضای کارفرمایی از سوی دولت و کارفرمایان در این نشست ها شرکت می کنند تا حرف دل موسسه نذر و اشتغال اصفهان را بزنند. دلالتان کارفرمایان، سبد معیشت را قبول ندارند و خط فقر را در حد درآمدی روزانه نیم دلار نگاه می کنند. با این تفکر نمی توان قدرت خرید کارگران را افزایش داد. همین دلالتان کارفرمایی خواهان نابودی قانون کار، سازمان تامین اجتماعی، تعاونی های مصرف و مسکن و در یک کلام بی قانونی محض هستند. اگر قرار است طبق ماده ۴۱ قانون کار دستمزدی برای زحمتکشان تعیین کرد بر مبنای بند دوم همین ماده که گفته است: «مبلغ تعیین شده باید به اندازه ای باشد تا زندگی یک خانواده ۳/۳ نفری را تامین کند» بی تردید تعیین این حداقل بر مبنای همین بند دوم ماده ۴۱ باید بیش از خط فقر به اضافه در نظر داشتن تورم سال بعد که بیش از ۴۵ درصد خواهد بود، تعیین شود.

آنچه فرایند این نشست ها به زحمتکشان پیام داده است نشست های هماهنگ شده دولت و دلالان کارفرمایان بدون در نظر گرفتن گروه کارگری و یک جانبه گرایی مطلق با همدستی وزارت کار تعیین و ابلاغ خواهد شد.

آنچه در این میان به جنبش کارگری مربوط است و برای حفظ قدرت خرید خود در دستورکار خود برای همیشه باید داشته باشد موضوع آموزش و بهداشت رایگان و فراگیر و با کیفیت، مسکن ارزان و ثابت ماندن قیمت کالاهاست که بخشی از دستمزد طبقه کارگر و سهمش از ثروت ملی است. عرصه کارزار تنها موضوع افزایش دستمزدها نیست بلکه حفظ قدرت خرید خانواده های کارگری است.

به همین منظور گروه کارگری مذاکره کننده اگر منافع طبقه کارگر می خواهد حفظ کند باید ۱- شفاف سازی مذاکرات مزدی را اجرایی کند تا زحمتکشان بدانند در این جلسات چه می گذرد ۲- با کارفرمایان و دولت توافق کنند که حق ندارند قیمت ها را سال بعد افزایش دهند ۳- گروه کارگری درایت داشته از امضای دستمزدی خلاف آنچه گفته شد امتناع کرده تا یکجانبه گرایی تثبیت شده، و همدستی دولت و کارفرمایان هرچه بیشتر عیان گردد.

آنچه در صدر وظایف جنبش کارگری و بخش سازماندهی شده ی آن یعنی جنبش سندیکایی است، حفظ اتحاد و همبستگی است تا بتوانیم خواسته های بر حق خود را به سیستم سرمایه داری حاکم تحمیل کنیم

پیش به سوی عضویت در سندیکاهای کارگری

با هدف ارتقا بخشیدن به سطح زندگی عموم مردم و ریشه کن کردن فقر

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی**

**بازنشستگان فلزکارمکانیک اسفند ۹۹**



## اعتصاب کارگران خودروسازی در ایران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد- کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال



کارگران کارخانه خودرو سازی- شرکت ایران خودرو در تبریز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، دست به اعتصاب زدند. شرکت ایران خودرو اصلی ترین شرکت خودروسازی در ایران است که وسایل نقلیه از جمله کامیون، مینی بوس و اتوبوس را با مجوز شرکت های رنو و سوزوکی تولید می کند. مدتی است که مشکلاتی در این شرکت از جمله اتهامات فساد مالی و همچنین گزارش هایی مبنی بر عدم پرداخت دستمزد و حق بیمه کارگران از سپتامبر و اکتبر سال گذشته (شهریور و مهرماه جاری)، وجود داشته است. عدم پرداخت حق بیمه کارگران منجر شده است که اداره تأمین اجتماعی از پرداخت حقوق بازنشستگی کارگران خودداری کند و برخی از کارگران بازنشسته مجبور به ادامه کار باشند. ایران خودرو شش کارخانه تولیدی در ایران دارد که ظرفیت کارخانه تبریز سالانه ۱۲۰ هزار دستگاه است. این شرکت خودروسازی چند ملیتی که دارای کارخانه در کشور های آذربایجان، بلاروس، سنگال، سوریه و ونزوئلا نیز می باشد، بیماری همه گیر کرونا را دلیل وجود مشکلات در پرداخت دستمزدها می داند. کارگران تبریز اعتصاب خود را از ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن ماه) شروع کردند. گزارش شده است که چندین کارگر در نتیجه این اعتصابات اخراج شده اند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، از اعضای کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال، گزارش داده است که شرایط کارگاه های صنعتی در

سراسر ایران فاجعه بار است زیرا اثرات اقتصادی بیماری همه گیر کرونا به پیامدهای جاری ناشی از تحریم های گسترده اقتصادی و بانکی ایالات متحده اضافه شده اند. کارخانه های بزرگ خودرو سازی و شرکت های تأمین کننده های قطعات برای آنها، تحت تأثیر قرار گرفته و بسیاری از آنها قادر به پرداخت حقوق و حق بیمه کارگرند نمی باشند. این امر موجب شده است که کارگران قادر به دریافت مزایا و خدمات بهداشتی نباشند. کارگران ایران خودرو جدیدترین گروه از کسانی هستند که در برابر این شرایط غیرممکن زندگی و کار، به اعتراض آشکار دست زده اند. اعتراضات در میدین نفت و گاز پارس جنوبی از آگوست سال گذشته و با مطالبات روزافزون کارگرانی که خواهان شرایط مناسب کاری و اشتغال مستقیم و نه از طریق دلالتان و شرکت های پیمانکار نیروی انسانی می باشند، ادامه دارد. کارگران بازنشسته در سراسر کشور نیز، که به دلیل سطح پایین حقوق بازنشستگی، پس از یک عمر خدمت در فقر میباشند، دست به اعتراض زده اند. سطح فقر در حال حاضر چهار برابر متوسط حقوق بازنشستگی است. اعضای بازنشسته سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران در سازماندهی این اعتراضات فعال می باشند.

کمال اوزکان، معاون دبیر کل کنفدراسیون سندیکایی جهانی اینداستریال اظهار داشت که: “دولت ایران در مسئولیت خود در قبال شهروندان کوتاهی کرده است. این اجازه را به شرکت ها داده است تا از کارگران سواستفاده کنند و در طی یک بیماری همه گیر جهانی، در زمانی که بیشترین نیاز به آن وجود دارد، سیستم تأمین اجتماعی را با کمبودهای وحشتناکی روبرو کرده است.

کارگران ایرانی برای دفاع از حقوق خود خود به اعتراض برخاسته اند. آنها حق دارند که چنین کنند و شجاع هستند که در برابر یک رژیم سرکوبگر و شرکتهایی که از عهده مسئولیتهای خود بر نمی آیند ایستادگی می کنند. ایران باید اتحادیه های مستقل کارگری را به رسمیت بشناسد تا کارگران و بازنشستگان کشور بتوانند به عدالت دست بیابند.

۱۱ فوریه ۲۰۲۱ مطابق با ۲۳ بهمن ۱۳۹۹

## مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نباید از دوازده و نیم میلیون تومان کمتر باشد!

سال‌هاست که نظام سرمایه‌داری و دولت‌های حامی آن، با استنثار هرچه شدیدتر و غیرانسانی‌تر کارگران آنان را به روز سیاه نشانده و از بسیاری از حقوق اجتماعی خود محروم کرده‌اند. تا جایی که طبقه‌ی کارگر ایران امروز در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسایی زندگی می‌کند. براساس داده‌های آماری و تحقیقات برخی مراکز و موسسات اقتصادی، در شرایط کنونی بیش از ۴۰ درصد از مردم ایران که بخش قابل توجهی از آن را کارگران تشکیل می‌دهند در زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. گرانی و تورم بیداد می‌کند و قیمت کالاها و مایحتاج روزمره و مورد نیاز مردم، هفتگی و گاه روزانه گران می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به قیمت خوراکی‌ها اشاره کرد که در کمتر از یک سال بنا به گفته مقامات رسمی بیش از ۵۷ درصد رشد داشته که در واقعیت بیش از این است. اختلاس و دزدی در بین برخی از مسئولین و مقامات متداول شده و بخش وسیعی از ثروت اجتماعی در کشور را به تاراج می‌برد. همه‌گیری ویروس کرونا بر بسیاری از مشاغل تاثیر منفی گذاشته و بخش‌های قابل توجهی از فرصت‌های شغلی را از بین برده است. قیمت دلار سیر صعودی داشته و به نوبه خود به رشد تورم در کشور دامن زده است. افزایش نرخ بیکاری، همراه با افزایش نرخ تورم، شاخص فلاکت در کشور را به میزان زیادی بالا برده است. تا آن جا که در شرایط کنونی یک شکاف ۳۶۰ درصدی بین دهک‌های اول و دهم وجود دارد که موجب شده است فاصله بین غنی و فقیر در جامعه به مرز انفجار برسد. وجود چنین شکافی به قیمت فرسوده شدن نیروی کار و رو آوردن کارگران به مشاغل دوم و سوم، ترک تحصیل فرزندان، سوء تغذیه و حذف هزینه‌های درمانی و بهداشتی، ورزشی، تفریحی و به دنبال آن افزایش بیماری‌های جسمی و روحی در بین کارگران و افسار تهیدست جامعه شده و بر شدت فقر و فلاکت و بی‌خانمانی و درپردری و افزایش چشمگیر و بی‌سابقه فساد و اعتیاد و دزدی و تن‌فروشی، خودکشی، کار کودک، کارتن خوابی، زباله گردی و ... افزوده است. چنین وضعیتی را در اساس باید ناشی از نظام نابرابر سرمایه‌داری و متاثر از آن، رشد و تعمیق شکاف طبقاتی دانست. ضمن این که تهاجم بی‌وقفه و مستمر دولت‌های سرمایه‌داری نئولیبرال را در سرکوب مزدی کارگران در طول این سال‌ها، نباید از نظر دور داشت. این دولت‌ها در راستای حمایت از سرمایه، همواره تلاش می‌کنند تا سطح مزد کارگران را پایین نگه داشته و آن را از راه‌های مختلف به کارگران تحمیل نمایند. یکی از این راه‌ها، تعیین "حداقل مزد"، به میزانی به مراتب پایین‌تر از خط فقر است. این وظیفه را همه ساله "شورای عالی کار" بر عهده داشته و آن را با استفاده از ساختار مسلط قانونی و یک جانبه به سرانجام می‌رساند. ایجاد تشکلاتی وابسته نظیر "شورای اسلامی کار" و نمایندگان



برآمده از این تشکلات ضدکارگری در "شورای عالی کار" از ابزارهای ساختار مسلط قانونی می‌باشد. امسال نیز همانند سال‌های پیش، دولت و بخش خصوصی با طرح موضوع مزد منطقه‌ای و تعیین "حداقل مزد" جداگانه برای کارگران مجرد و متاهل، تلاش دارند به سرکوب مزدی بیش‌تری اقدام نمایند و تا آنجا که می‌توانند کارگران ارزان و مطیع را با سیاست‌های مزدی خود، در اختیار بگیرند. مسئله "حداقل مزد"، مسئله همه کارگران است. زیرا از یک سو بخش بسیار مهمی از کارگران - کارگران شاغل - مزدی برابر حداقل رسمی مزد یا کمتر از آن دریافت می‌کنند و از سوی دیگر حداقل مزد، خود، مبنای تعیین دیگر مزدهاست. به عبارت دیگر سایر مزدها، خود، مضربی از "حداقل مزد" هستند. از آنجا تعیین مزد سایر مزدبگیران از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان و . . . با میزان "حداقل مزد" کارگران ارتباط دارد، سطح مزد سایر مزدبگیران نیز پایین خواهد بود. در شرایط کنونی طیف گسترده‌ای از کارگران، به ویژه کارگران خدماتی، معلمان خرید خدمت، کارگران پیمانی و . . . حتی پایین‌تر از حداقل مزد، به میزانی کمتر از یک میلیون تومان، آن هم گاه با هفته‌ها و ماه‌ها تأخیر دریافت می‌دارند. مضاف بر این که کارگران شاغل در منطقه آزاد تجاری، اقتصادی و ویژه، به خاطر اعمال قانون و مقررات ویژه این مناطق، از هرگونه حقوق قانونی و به تبع آن از نظام مزدی تحت پوشش همین قانون کار نیم‌بند هم محروم‌اند. ضمن این که بخش قابل توجهی از کارگران موقت و قراردادی، به دلیل عدم نظارت، همان حداقل مزد را نیز دریافت نمی‌کنند. به همه‌ی این‌ها البته باید محرومیت و بی‌حقوقی زنان کارگر را نیز افزود. زنان کارگر با اعمال تبعیض‌های جنسیتی و در عین حال عدم ضمانت‌های لازم برای برقراری مزد برابر در قبال کار برابر، از دریافت مزدهای برابر با مردان محرومند. نمونه‌ی کار در مهد کودک‌ها برای مربیان و کار در مدارس غیر دولتی برای معلمان زن و همچنین تفاوت آشکار نرخ مزد در کارگاه‌های کوچک را می‌توان از نشانه‌های بارز عدم اجرای درست مزدهای مصوب به شمار آورد. مسلم است که "حداقل مزد" کارگران نباید از هزینه زندگی متوسط یک خانوار شهری کم تر باشد. بر همین اساس، تشکلهای مستقل کارگری، "حداقل مزد" کارگران برای سال ۱۳۹۹ را معادل ۹ میلیون تومان در ماه محاسبه و اعلام کردند. این مبلغ معادل هزینه زندگی ماهیانه یک خانوار شهری، با تعداد متوسط اعضای ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۹ در کشور بود. با چنین مبنایی و با توجه به تورم افسار گسیخته و فزاینده‌ی کنونی و تورم مورد انتظار در سال آتی، حداقل مزد کارگران در سال ۱۴۰۰ نمی‌تواند کمتر از دوازده میلیون و پانصد هزار تومان در ماه باشد و مبلغی کمتر از این، حقیقتاً زندگی کارگران و خانواده‌هایشان را دچار کمبودهای جدی خواهد کرد و به سلامت، تغذیه، دارو و درمان، پوشاک، مسکن، رفت و آمد و تأمین نیازهای فرهنگی و در یک کلام، تأمین نیازهای اساسی کارگران و خانواده‌های آن‌ها، لطمات سنگین و جبران ناپذیری وارد خواهد نمود. ضمن این که بحران سلامت در شرایط بیماری همه‌گیر کرونا که حتی طبق آمارهای رسمی به مرگ ده‌ها هزار و ابتلای صدها هزار تن منجر شده است

و هزینه‌های گزاف ناشی از این بیماری، ضرورت مبارزه برای مزد حداقلی فوق را باز هم برجسته‌تر می‌کند. با توجه به تورم فزاینده‌ی موجود، کارگران آگاه و فعالان کارگری خواستار این هستند که تعیین حداقل مزد سالانه کارگران، لااقل هر شش ماه یک بار انجام شده و با سبب معیشت واقعی خانوارهای کارگری هماهنگ گردد. نظریه پردازان و کارشناسان اقتصادی دولت و بخش خصوصی اعلام می‌کنند که: "افزایش مزد باعث تورم می‌شود". واقعیت این است که تورم حاکم در ایران دلایل ویژه اقتصادی و سیاسی خود را دارد و افزایش مزد نقشی در افزایش تورم ندارد. بر اساس یک برآورد علمی اقتصادی، "افزایش مزدها بر مجموع قیمت‌های تولید و از این رو بر مجموع قیمت‌ها و بنا بر این بر تورم تأثیری نمی‌گذارند." در طول چهل و دو سال گذشته مزدهای حقیقی کارگران، یعنی قدرت خرید طبقه کارگر پیوسته کاهش یافته است، درحالی که همزمان شاهد تورم بسیار بالا و فزاینده‌ای در جامعه بوده‌ایم. ما کارگران نباید تنها نظاره‌گر به تباهی کشانده شدن هستی و بقای خود باشیم. ما باید به شکلی متحد و متشکل و با تلاشی آگاهانه، شجاعانه و مستمر، اعتراض‌هایمان را به این وضعیت اسفبار، تا رسیدن به خواسته‌های بر حق خود، از جمله افزایش مزد، متناسب با هزینه متوسط جامعه، ادامه دهیم و آن‌ها را به سرمنزل مقصود برسانیم. کارگران برای دستیابی به حقوق همه جانبه‌ی خود به تشکل مستقل در سرتاسر کشور نیاز دارند. همان‌گونه که برای زندگی عادی به هوا، آب، خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، فرهنگ و تفریح نیاز دارند!

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران، معلمان و بازنشستگان ۲۶ بهمن ۱۳۹۹

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

کانون صنفی معلمان اسلامشهر

گروه اتحاد بازنشستگان - اتحاد بازنشستگان - شورای بازنشستگان ایران -  
اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

## خبر دزدی با کدامین هدف!

مدتهاست «ارکستر هماهنگ رسانه ای» خبرهایی را که کنشگران سندیکایی فلزکارمکانیک ایران از واحدهای تولیدی خود برای سندیکا می فرستند با حذف نام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک منتشر می کنند. با توجه به اینکه کنشگران سندیکایی ما با خطر اخراج، تهدید توسط پلیس سیاسی روبرو هستند، این خطر رابه جان خریده و اخبار رابه سندیکا داده تا توسط ما خبررسانی شود.

«ارکستر هماهنگ رسانه ای» با حذف نام سندیکای ما و نوشتن نام فعالین کارگری!! و یا منابع کارگری!! تلاش می کنند هم بایکوت سندیکای فلزکارمکانیک را تداوم بخشند و هم اینکه برای خود اعتباری بخشیده تا نشان دهند در داخل ایران برایشان خبر ارسال می گردد و دارای منابع کارگری!!! هستند. این روش در اعتراضات سراسری کارگران پروژه ای در مرداد ۱۳۹۹ که همراه با اخبار روزانه این اعتصاب توسط سندیکای فلزکارمکانیک ایران منتشر می شد، به کار گرفته شد. این سایت ها با تغییر دادن متن ولی با گنجاندن همان اطلاعات تلاش کردند نشان دهند که بی خبر از تحولات داخل ایران نیستند. آخرین این خبر دزدی ها که توسط «سایت اخبار روز» انجام شد به دشمنی دیرینه این سایت با سندیکای ما تأیید دیگری بخشید. «سایت اخبار روز» از سال ۱۳۸۳ با درج مقالات توهین آمیز علیه سندیکای ما وارد کارزاری شد و از گذاشتن جوابیه های ما در یک عمل غیر حرفه ای خبرنگاری، امتناع کرد.

«سایت اخبار روز» در تاریخ ۱/۳ دو خبر را با حذف نام ما منتشر کرد. اولین خبر در مورد اعتصاب در پالایشگاه آبادان بود که با حذف نام «به گزارش خبرنگار پیام سندیکا» و گذاشتن کلمات «منابع کارگری» اقدام به انتشار خبر اعتصاب از کانال رسمی تلگرامی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بدون ذکر منبع نمود. سپس اطلاعیه حمایتی کنفدراسیون جهانی اینداستریال که سندیکای ما عضو آن است و با حذف بخشی از آن اقدام به انتشار نموده است. در پاراگراف سوم این کلمات از اطلاعیه کنفدراسیون جهانی اینداستریال «سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، از اعضای کنفدراسیون سندیکایی

جهانی اینداستریال، گزارش داده است...» حذف و با جایگزین کردن کلمات « منابع کارگری گزارش میدهند...» اقدام به درج این اطلاعیه کرده است.

۱- این اقدام غیراخلاقی و غیرحرفه ای که برای چندمین بار با اطلاعیه های کنفدراسیون جهانی اینداستریال و حذف نام سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، صورت می گیرد به چه معناست؟ ۲- حذف منبع خبر در کدامین قوانین خبرنگاری دنیا جاری و ساری است؟ ۳- این دشمنی آشکار با سندیکایی که در ایران فعالیت دارد از چه روست؟ مگر ما چه هیزم تری به این سایت فروخته ایم که از فعالیت ما این چنین خشمگین هستند؟

البته روی آوردن منابع خبری «سایت اخبار روز» به سندیکای ما بی دلیل نیست. سالهاست که حنای تشکل های باد شده توسط این سایت و فعالین کارگریش !!! بی رنگ شده و دیگر نمی توان با دروغ آنها را به خورد خوانندگان داد. فعالیت میدانی جرات، سازماندهی و آرمانگرایی را می طلبد. در مقاله ای که رفیق مان مازیار گیلانی نژاد در مورد «ارکستر هماهنگ رسانه ای» نوشته است بسیار دقیق به این مطلب اشاره کرده است: «به هر حال آنانی که نان خبرهای کارگری را می خورند اما حلیم ارکستر هماهنگ سرمایه داری را هم می زنند، در تاریخ رسوا خواهند شد. آنچه انکارناپذیر است فعالیت ما در جنبش مطالباتی هر روز پررنگتر می شود و در اعتراضات کارگری آرم باشکوه سندیکا و فدراسیون اینداستریال هر روز نمایان تر می گردد. انکار و بایکوت سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران که با نثار خون ۴ عضو هیات مدیره اش به جنبش کارگری و مطالباتی ایران از سالها پیش رخ داده است، ثمری نخواهد یافت»

ما از سایت اخبارروز می خواهیم همچنان به بایکوت خبری سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ادامه داده و از درج اطلاعیه ها، مقالات و اخبار ما به هر شکلی از جمله اطلاعات داخل این مطالب، خودداری کند.

**روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران**

**۳ اسفند ۱۳۹۹**

## حقمان را می خواهیم و عقب نشینی نمی کنیم!

با توجه به مذاکرات تعیین حداقل دستمزد سال ۱۴۰۰ در روزهای گذشته و پیش رو و همچنین اعتراضات فزاینده بازنشستگان نسبت به همسان سازی غلط مستمریها، پلیس سیاسی دست به احضار فعالان مستقل کارگری زده است. در روزهای گذشته علی فراهانی از بازنشستگان فعال، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد عطا باباخانی، داود رضوی و علی قربانیان به پلیس امنیت احضار شده اند. این در حالی است که هم مجلس و هم وزارت کار و هم سازمان تامین اجتماعی در برابر اعتراضات کارگران و بازنشستگان هیچ حرفی برای گفتن نداشته و ندارند و دولت از پرداخت بدهی های خود به سازمان تامین اجتماعی فراری است.

فقر فزاینده و گرانی های ۳۰۰ درصدی و اعلام نرخ ارز در بودجه سال آتی از کانال ۴۲۰۰ به ۱۷۰۰۰ تومان که به معنای سونامی تحمیلی گرانی به خانواده های زحمتکشان و فقر است در سال جدید است و باز گذاشتن دست غارتگران ثروت ملی مانند مالکان هپکو و هفت تپه نشان از ورشکستگی سیاست های نئولیبرالی در کشور است. مذاکرات تعیین حداقل دستمزد که با ترفندهای همیشگی کارفرمایان و دولت با اعلام مزد توافقی و با به حاشیه بردن این مذاکرات توسط بخشنامه غیر قانونی هشتم بهمن ماه، معاون حقوقی رئیس جمهور، خطاب به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی که کارفرمایان را به عقد قراردادهای موقت ترغیب می کند و از این به بعد، قراردادهای کار، یک ماهه و سه ماهه می شوند و دیگر حتی قراردادهای یکساله نخواهیم داشت، به کارفرمایان این امکان را می دهد تا می توانند در حق کارگران اجحاف کرده و این اجحاف قانونی تلقی شود همانند بخشنامه خارج کردن کارگاههای زیر ده نفر از شمولیت قانون.

نه احضار و نه دستگیری و نه زندان هیچکدام چاره کار نیست. باید حق کارگران از ثروت ملی را داد و دست غارتگران را از این ثروت کوتاه کرد.

ما ضمن محکوم کردن اینگونه شیوه های نخ نما از برادران خود حمایت کرده و خواستار همسان سازی درست مستمری ها و تعیین حداقل حقوقی بر اساس روند تند گرانی ها هستیم.

### سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۴ بهمن ۱۳۹۹

## گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



### نامه کارگران چند کارخانه شهرک صنعتی ساوه به علی خدایی

حضور مهندس علی خدایی

مسئول مذاکره دستمزدهای سال ۱۴۰۰ در شورای عالی دستمزد

با سلام، همانطوری که اطلاع دارید و در جریان خرید برای خانه تان نیز هستید، اقلام خوراکی از ابتدای امسال تاکنون ۳۰۰ درصد گران شده اند و کارفرمایان سود خوبی چه در کارخانه های موادغذایی، دارویی، و چه در عرصه فولادی صادراتی، داشته اند. دلار هم از کانال ۱۲ هزار تومان در اول امسال به بیش از ۲۰ هزار تومان رسیده که نتیجه اش گران شدن تخم مرغ را به بحث هر روزه دولت و تولیدکنندگان کرده که هر کدام نفع خود را می برند. تولید کنندگان با گران کردن اجناس خود و دولت با گران کردن دلار سود خود برده اند در این میان تنها کارگران هستند که حقوقشان ثابت مانده است. لذا از شما انتظار داریم در مذاکرات دستمزدی مینا، گرانی های انجام شده و سبب معیشت که توسط شما طراحی شده است قرار گیرد. از شما و هیات همراهتان

می خواهیم در این موضوع که سفره های کارگران و بحث گرسنگی مطرح است ثابت قدم بوده و ما نیز همراه شما هستیم.

### کارگران شهرک صنعتی ساوه

شرکت ارمیتاز/شرکت مهبان دارو/شرکت لاستیک پارس/شرکت بشکه سازی

۳۰ بهمن

### نامه کارگران مجتمع مس سرچشمه، شرکت ملی صنایع مس ایران به علی خدایی

حضور جناب آقای مهندس خدائی

مسئول مذاکره ی دستمزدهای سال ۱۴۰۰ در شورای عالی دستمزد

با سلام و احترام به گونه ای که حضرتعالی نیز همانند ما اقشار کم درآمد، در جریان نرخ سرسام آور کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده ها هستید، از ابتدای سال جاری تاکنون اقلام و مایحتاج ضروری در کشور قریب به ۳۰۰ درصد افزایش بها داشته است و طبعا کارفرمایان به همین منوال با افزایش بهای محصولات و افزایش قیمت دلار در تولیدات فلزی و پتروشیمی از این افزایش قیمت ها بهره برده اند و داعیه ی نابسامانی احوال اقتصادی ایشان، امسال کمتر صادق است.

همه مان شاهدیم که در مشاغل آزاد و غیر حقوق بگیر، عرضه کنندگان و خدمات رسانندگان به مردم نیز افزایش قابل توجه نرخ تورم را در درآمد خود اعمال نموده اند و نسبت به نیروی کار دستمزد بگیر، در وضعیت معیشتی بسیار مساعد تری قرار دارند.

بدین وسیله مطابق شرح کارخانجات و شرکت های پیوست، ما جمعی از کارگران و پرسنل حقوق بگیر و مستمری بگیر، مراتب دادخواهی خود را برای اعمال عادلانه تر افزایش نرخ دستمزد در سال ۱۴۰۰ به حضورتان تسلیم می نمایم.

عنایت فرمایید تا این مهم به گونه ای درخور این قشر زحمت کش و شرافتمند در دستور کار شورای عالی دستمزد واقع گردد.

بدیهی ست نامتناسب باقی ماندن نرخ دستمزد در سال آتی، موجبات افزایش نارضایتی، توسعه ی فقر نهادینه و تبعات اجتماعی متعاقبش را فراهم آورد

و ما زحمتکشان، خواستار حمایت حضرتعالی و هیات همراهتان خواهیم بود و تا دست یافتن به این مهم در کنارتان خواهیم بود.

“سرچشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به پیل”

مجمع مس سرچشمه، شرکت ملی صنایع مس ایران

### جمعی از پرسنل شرکت های:

رامپکو / آبادگران کریمان / شرکت پارسیان / شرکت نیرو صنعت سرچشمه /  
 مهندسین مشاور قدس نیرو / مشاور مبینا / مشاور نیروی آذربایجان /  
 مهندسین مشاور کاوشگران / شرکت آرناران / شرکت متبا / شرکت فولاد  
 تکنیک / شرکت شارگان / شرکت پرمان پویش / شرکت پتروتکسان / شرکت  
 آذرب



## گزارش خبرنگار پیام سندیکا از نوب آهن

### ۱- بیمه های تکمیلی کارگران نوب آهن!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیمه تکمیل درمان کارگران ذوب آهن با بیمه دانا برای دومین سال تمدید شد. در این قرارداد برای هر نفری که کارگر می خواهد تحت پوشش قرار دهد باید ۹۲ هزار تومان بپردازد یعنی یک خانواده کارگری ۴ نفره ۳۷۰ هزار تومان باید پرداخت کند همچنین ماهانه هر کارگر حداقل ۱۸۲ هزار تومان نیز باید بابت ۷ درصد به تأمین اجتماعی هر ماهه بپردازد. از طرف دیگر با تمدید این قرارداد و برای به روز شدن بیمه دانا سامانه بیمه تکمیل درمان دانا قطع شده است و تا وصل شدن چند روزی کارگران و خانواده هایشان سرگردان خواهند بود.

به این می گویند به روز آوری پدر زحمتکشان ایران!

اما این تنها به بیمه ختم نمی شود. سال در حال تمام شدن است هنوز از لباس کار ۲ تکه کارکنان بهره برداری خبری نیست و به قول مسوولین ذوب آهنی در حال دوخت است. لباس کار مهندسی قرار است از هفته آینده توزیع شود و لباس کار آتشکاری هم رفته در مناقصه که یعنی تا آخر سال دیگر آتشکاران باید از لباس مندرس و غیر ایمن استفاده کنند.

به این می گویند مدیریت مدرن ذوب آهنی که نمی تواند یک برنامه دقیق برای لباس کار روتین کارکنانش تهیه و آماده سازد.

## اعتصاب در شرکت لاستیک پارس ساوه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب ۶۵۰ کارگر شرکت لاستیک پارس ساوه بر علیه اجحافات کارفرمای خصوصی شده این شرکت، شکل گرفته است. متن زیر را کارگران اعتصابی برایمان فرستاده اند.

«۳ روز هست که شرکت لاستیک پارس در اعتصاب است و کارگران دست از کار کشیده اند. حدود ۲ سالی هست که این شرکت خصوصی شده و کارفرما از تعیین وضعیت صندوق پس انداز کارگران سر باز می زند.

داستان از اینجا شروع شد که طبق اساسنامه شرکت صندوقی شکل گرفته بود که هر ماه ۳ درصد از حقوق کارگر کسر میکرد و خودش نیز به همان مقدار به صندوق اضافه میکرد تا به کارگر وام دهد. با فروش شرکت به بخش خصوصی وام ها قطع شد ولی هر ماه باز از حقوق کارگران ۳ درصد کم میشد تا اینکه به درخواست شورای کارگری مبنی بر تسویه صندوق و پس دادن موجودی بین کارگران جواب واضح و شفافی داده نشد. کارگران به این نتیجه رسیدند صندوقی که وام نمیدهد چرا باید هر ماه از ما پول کم کند. پس کارگران به کارفرما میترا فروزنده نیا اعلام کردند که صندوق را برجیده و با اعضا تسویه کند. کارفرما این کار را به زمان اتمام کار و بازنشستگی عودت داد. اختلاف از آنجا بوجود آمده که کارفرما میگوید من از وقتی که شرکت را تحویل گرفته ام صندوق را تسویه میکنم و ماقبل از آن به من ارتباطی ندارد.

یعنی کارگری که ۱۵ سال سابقه دارد را فقط ۲ تا ۳ سالی که ایشان شرکت را خریده، می‌خواهد فقط سهم کارگر را پس خواهد داد و ۱۲ سال قبل به ایشان مربوط نیست. یعنی ۱۲ سال اندوخته کارگران را به جیب بزند. حال آنکه در واگذاری شرکت همه چیز قید شده. چطور سرمایه و سود شرکت را می‌خواهد ولی نسبت به بدهی و دیون شرکت مسئولیتی ندارد؟

افراد بازنشسته ای را به عنوان مشاور و مدیر وارد شرکت کرده که تخصصی ندارند و برخی از قسمت های شرکت را به پیمانکار سپردند و پیمانکار نیز نارضایتی ایجاد کرده. سالی دوبار در روز کارگر و ۲۲ بهمن ارزاق میداده که اکنون وی از پرداخت آنها خودداری می‌کند. کارگران از سندیکای فلزکارمکانیک خواستار اطلاع رسانی و کمک شدند و می‌گویند که به گوش مسئولان برسانید که با خصوصی سازی زندگی خیلی از کارگران به بازی گرفته شده و دور نیست آن روزی که سرنوشت لاستیک پارس ساوه همانند نیشکر هفت تپه یا هپکو شود. «

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از این اعتصاب حمایت کرده و از هیچ کوششی برای پیروزی این کارگران دریغ نخواهد کرد.**

### کارگر برادر کارگر

### اعتصاب در لاستیک پارس ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به ورود اداره کار به موضوع اعتصاب و ترتیب دادن جلسه ای با حضور آقای حق پرست رییس اداره کار ساوه و خانم فرزاد نیا کارفرما و شورای کارگری کارخانه، متأسفانه تاکنون توافقی حاصل نشده و کارگران کماکان به اعتصاب خود تا رسیدن به خواسته هایشان ادامه خواهند داد.

کارفرما در این جلسه قول داده است بسته های غذایی را از ۳۰۰ هزار تومان به ۷۰۰ هزار تومان خواهند رساند و صد هزار تومان هم بابت عید کارگری اول ماه مه به کارگران پرداخت خواهد شد. حقوق و عیدی را هم پرداخت کرده فقط کارگران باید کار را شروع کنند تا بتوانیم بعد از عید و تا آخر اردیبهشت تصمیماتی راجع به صندوق تعاون کارگران بگیریم. البته با افزایش حقوق مخالفت کرده اند. کارفرما می گوید: «ما زمان جنگ هم موشک تو سرمون میریختن ولی عقب ننشستیم» یعنی تهدید کارگران به آوردن کارگر از کارخانه کیان تایر.

این اظهارت بی خردانه از سوی کارگران رد شده و کارگران معتقدند ایشان برای خود وقت می خرد. کارگران در مورد خواسته های اصلیشان ۱- شفاف شدن وضعیت موجودی صندوق تعاون کارگران ۲- اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پا فشاری می کنند. کارگران به کارفرما گفته اند: «روزی که برای تملک این کارخانه آمدید با شما خواسته های خودمان را مطرح کردیم و شما هم قول دادید آنها را اجرایی کنید و الان پیمان شکنی کرده اید و ما را هم با آوردن اعتصاب شکن تهدید می کنید. الان ۳ سال از زمان واگذاری گذشته است و هیچ اقدامی در مورد خواسته های ما از سوی کارفرما صورت نگرفته است»

در زمان خصوصی سازی یک از بندهای مفاد قرارداد این است که: ۱- باید خریدار اهلیت داشته باشد ۲- حداقل تا ۵ سال آینده حق اخراج کارگری را ندارد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به برادران خود در کارخانه لاستیک پارس ساوه اطمینان می دهد که هیچ کارگری از کیان تایر و یا کارخانه های دیگر لاستیک سازی برای شکستن اعتصاب اقدام نخواهد کرد.

### کارگر برادر کارگر



## ۱- سختی کار کارگران ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، موضوع سختی کار بخش های مختلف ایران خودرو همچنان موضوع روز کارگران این شرکت است. در آخرین اعتراضی که تکنسین های موتورسازی (معاونت قطعات و مجموعه ها) به مدیریت داشته اند، اعلام کردند: «با توجه به اینکه محل کارمان در خطوط تولید و در آلوده ترین شرایط کاری است متأسفانه سختی کار به ما تعلق نگرفته است. چرا؟» لازم به ذکر است که این وظیفه بازرسان وزارت کار است که با بازرسی های به موقع سختی کار سالن ها و کارهای محوله را به شرکت ها اعلام کنند اما وزارت کار در هماهنگی کامل با کارفرمایان از اجرای این وظیفه خودداری می کند.

## ۲- درآمدهای ایران خودرو چه می شود؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، فروش افسانه ای و افزایش قیمت محصولات ایران خودرو نه تنها به کیفیت دستمزدی کارگران منجر نمی شود بلکه فشارکاری زیاد به دلیل استخدام نکردن نیروهای جایگزین بازنشسته های شرکت و اضافه کاری های تحمیلی که کارگران مجبور به افزایش درآمدش بشود، کارکنان ایران خودرو را با پیری زودرس روبرو ساخته است. اما با این همه فشار کاری، مدیریت از پرداختن به وظایف خود شانه خالی می کند. در سالن رنگ ۲ مدت طولانی است که لباس کار نداده اند. سه سال است در سالن بدنه سازی کفش کار توزیع نشده است. توزیع سهمیه لباس و لوازم حفاظتی که باید امری عادی در عرصه کار باشد، بسیار محدود بوده و کارگران با عینک های غیر قابل استفاده کار می کنند.

### ۳- مدیریت نئولیبرالیستی در ایران خودرو!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بیش از ۱۹۰ کارگر ایران خودرویی به مرحله بازنشستگی رسیده اند اما ماههاست بازنشسته نشده اند و همچنان مجبورند در سرکار حاضر شوند که تغییری در سابقه و دریافتی بازنشستگی شان نخواهد داشت. کارگران می پرسند تاخیر برای چیست؟ آنچه در سال های قبل مشاهده می شد موضوع ندادن ۴ درصد سختی کار کارگران از سوی ایران خودرو به تامین اجتماعی بوده است. سازمان تامین اجتماعی تا زمان پرداخت این ۴ درصد و تسویه حساب کامل، از بازنشسته کردن کارگران خودداری خواهد کرد. اینکه مدیریت موضوع کرونا را بهانه این روند کند بازنشستگی اعلام می کند سوال پرانگیز است. مدیریت تسویه حساب با تامین اجتماعی را شفاف سازی کند تا کارگران خودشان به تامین اجتماعی مراجعه و بازنشستگی شان را نهایی کنند.

دزدی از منابع کارگران و ندادن خدمات و طول دادن بازنشستگی از شگردهای مدیران نئولیبرال است

## گزارشاتی از پروژه های نفتی و پالایشگاهی!



### ۱- شیدان پروژه ای را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت پارس فنون (پیمانکاری هوشنگ کیانپور) یکی از شیدانی است که به وعده های خود عمل نموده است. این افراد را بشناسیم و برایشان کار نکنیم. به گزارشی رسیده توجه کنید:

با درود فراوان خدمت شما گزارشی که می خواهم خدمتان ارسال کنم از وضعیت بد یکی از پروژه های عسلویه در فاز ۲ & ۳، پروژه ... DMC شرکت پارس فنون (پیمانکاری

هوشنگ کیانپور) با توجه به اینکه کار از برج ۴ تابستان در اوج گرما و فشار کاری زیاد همراه است و همزمان با اعتصاب برای افزایش دستمزدها شروع شد، کارگاه ما نیز به مدت ۲۰ روز تعطیل شد و با اینکه به نیروهای خود وعده داده بود که حقوق طبق کمپین زده شود، اما خبری از این موضوع نشد و حقوق نفرات اجرایی (فیتور و جوشکار) ۶۵۰۰ تا ۷۵۰۰ زده شد. حقوق نفرات دفتری و اداری هیچ تغییری نکرد آن هم به بهانه اینکه شما در کانکس هستید نباید حقوقتان تغییری پیدا کند، به گفته آقای مجاهد کیانپور. طبق وعده و عید تا برج ۹ نفرات مشغول به کار شدند و بعد از اینکه کار به یک جایی رسید که خر پیمانکار از پل گذشته بود، اعلام مرخصی اجباری کردند و وقتی رفتیم مرخصی گفتن به فکر کار باشید. ۱۶ نفر اداری و دفتری در یک خوابگاه (خانه) سه اتاقه، با یک حمام و دستشویی، زندگی می کردند. وضعیت غذا که افتضاح، سرویس رفت و آمد افتضاح به ویژه اینکه عیدی و سنوات هم نداریم. آب آشامیدنی شور بدون اینکه به ما بطری های آب بدهند. روز جمعه که باید نصف روز باشد یعنی پنج ساعت اما این پیمانکار شش ساعت از نفراتش کار می کشد و تایم ساعت کاری در ساعت ۱۲ و نیم تمام می شود. امروز ۸ اسفند دو نفر از جوشکاران حرفه ای به نام امید بلاج و میلاد بلاج که باید از مرخصی باز می گشتند به آنها اطلاع دادند: «اگه با دو میلیون کمتر کار میکنین بیاین در غیر اینصورت نیرو نیاز نداریم» لطفاً به اشتراک بگذارید تا با پیمانکاران بد حساب و بی غیرت کار نکنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها این پیمانکار را در لیست تحریم کارگری خود قرار داده است و از کارگران می خواهیم به آگهی های استخدام کارگری این پیمانکار نامرد توجه ای نکنند. کارگر برادر کارگر

## ۲- اعتصاب در پالایشگاه نفت سنگین قشم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۲۰۰ کارگر شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از اول اسفند در اعتصاب بسر می برند و در محوطه پالایشگاه جمع شده و خواسته های خود را می خواهند. خواسته های کارگران تسویه حقوق و مزایا تا اول اسفند امسال است. در سال گذشته و با آمدن کرونا به پیشنهاد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها، از کارگران خواسته شد کارهای خود را به سرانجام رسانده تا بهداشتی شدن محیط کار در خانه بمانند و کارفرمایان را هم موظف کردند که حقوق و مزایا و عیدی کارگران را تا آخر اسفند به کارگرانشان پرداخت کنند که متأسفانه کارفرمایان سوذجو از این عمل خودداری کرده به بهانه ترک پروژه ها آنچه اجحاف بود در حق کارگران روا داشتند. در اعتصاب بزرگ و سراسری مرداد ۱۳۹۹ که برای افزایش حقوق ها و بهتر شدن شرایط کاری انجام گرفت، کارفرمایان قول دادند حقوق اسفند ۹۸

کارگران را پرداخت کنند. متأسفانه شرکت آویژه در پالایشگاه نفت سنگین قشم از دادن حقوق اسفند سال گذشته سرباز زده است. همچنین کارگران این شرکت هنوز حقوق دیماه و بهمن خود را نیز دریافت نکرده و به همین خاطر از اول اسفند ترک کار کرده در خوابگاههای خود ماندند تا حصول نتیجه. در حال حاضر کارگران در محوطه پالایشگاه جمع شده و خواهان دستمزدهای عقب افتاده خود هستند و نیروی انتظامی نیز در مقابل درب پالایشگاه حضور دارد.

«سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها ضمن محکوم کردن این عمل شرکت آویژه حمایت خود را از این کارگران اعلام داشته و از هرگونه کمکی برای به پیروزی رسیدن این اعتصاب دریغ نخواهد کرد. بی تردید کارگران آگهی های کار شرکت خلافکار آویژه را بی پاسخ گذاشته به حمایت از خانواده های کارگری برادرانشان این شرکت را تا حصول نتیجه تحریم کارگری خواهند کرد»

### کارگر برادر کارگر

### ۳- دغلكاران پروژه ای را بشناسیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه رسیده نشان دهنده بی صفتی علی مکوندی پیمانکار به ۱۰۰ کارگری بوده که الان به ۶۰ نفر رسیده است.

«سلام شرکت میثاق مهر جنوب به پیمانکاری علی مکوندی در پتروشیمی مسجدسلیمان فعالیت رنگ عایق دارد. این پیمانکار هنوز حقوق آذر ماه را نداده و کسانی هم که اعتراض کردند بعد از چند روز بعد به بهانه گرفتن غذا، گیت پاسشون رو گرفت و عصر همان روز با دادن مرخصی اجباری آنها را از پروژه بیرون کرد. بقیه را هم تهدید کرده به کسر کار زدن بی دلیل. بخاطر مافیایی بودن کارفرمایان این پتروشیمی، حتا اداره کار هم طرف حضرات کارفرما را گرفته است. احتمالاً از عیدی و سنوات هم خبری نیست. جالب است بدانید دقیقن در همین پتروشیمی پیمانکاری آقای رئیسی با شرایط خیلی بهتر حقوق با کارگران کار می کند. کمکی میمانکاری مکوندی ۸۰۰/۲ تا ۳ میلیون هست در صورتی که کمترین حقوق آقای رئیسی ۳۰۰/۴ هست. احترام خوبی به کارگر میذاره تایم کاریشون هم تا ساعت ۴ است. خوابگاه مکوندی یک خونه شخصیه که اصلن مناسب نیست. آبگرمکن مدام خراب میشه. وعده غذایی هم خیلی کمه، یه خامه میدن واسه دو نفر، یا سماورشون خرابه چایی ندارند» از سندیکا و گروه پایپینگ می خواهیم این گزارش را چاپ کند تا مکوندی رسوای دو عالم شود. مرسی.



#### ۴- برای زورگوها کار نمی کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار رشید آذرکمان با زور گفتن به کارگران و شکایت به نیروی انتظامی حق کارگران را ضایع می کند. به عنوان مثال گزارشی را که یک کارگر پروژه ای برایمان فرستاده است در زیر منتشر می کنیم:

«داخل خوابگاه کمپ «درریز» یکی از جوشکارها که هم اتاق بودیم کرونا گرفته بود. بلافاصله از اونجا رفت. آذرکمان به ما گفت به هزینه خودتون برید تست کرونا بدین. وقتی تست دادیم کرونا مثبت شدیم. این بیشرف نه به ما غذا داد و نه حق و حسابی. شریکش حاتمی نامرد گفت می خواستید حواس تون رو جمع کنید، تا کرونا نگیرید. هرچی گفتیم ما خسارت جانی و مالی بهمون وارد شده، نه تنها هیچ کاری نکردن بلکه ما رو با شکایت به نیروی انتظامی محل فرستاد تا زهر چشم ازمون بگیره که حقمون رو نده» برادران کارگر اگر این آذرکمان با کارگرس خوب رفتار می کرد هر ماهه آگهی استخدام نیرو نمی داد. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها ایشان را به دلیل رفتار غیرانسانیش تحریم کارگری کرده و از کارگران می خواهد برای اینگونه پیمانکاران کار نکنند تا این جماعت نامرد از پروژه ها بیرون انداخته شوند.

#### ۵- اعتصاب در پتروشیمی لاوان عملویه

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران شرکت طرح پیمان مبدا واقع در پتروشیمی لاوان عملویه از روز سه شنبه ۱۴ بهمن با درخواست حقوق عقب افتاده خود با مدیران شرکت وارد مذاکره شدند که نهایتن شرکت اعلام ضرر و ورشکستگی کرد. کارگران هم با دادن فرصت ۵ روزه برای تامین پرداخت حقوق دست به اعتصاب برای دریافت حقوق آذرماه به بعد را کردند که متأسفانه هیچ مسئولی تاکنون پاسخگو نبوده است. در تاریخ پنج شنبه ۱۶ بهمن با وجود دخالت حراست ارشد که قرار شده بود روز شنبه ۱۸ بهمن حقوق کارگرها پرداخت شود که باز هم خبری از حقوق نشد. کارگران با ماندن در خوابگاههای خود اعتصاب را همچنان ادامه می دهند. و با توجه به بی اعتبار بودن قول مدیران این شرکت هیچ مسئولی در پتروشیمی لاوان پاسخگوی کارگران نیست. کارگران تصمیم گرفته اند تا روز سه شنبه کارت حضور خود را زده به سرکار نروند و چنانچه تا این روز حقوق ها پرداخت نشده باشد دست به اقدام مقتضی بزنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها از این اعتصاب حمایت کرده و برای به نتیجه رسیده خواسته های کارگران با تمام قوا از آنان پشتیبانی می کند و آماده قدم های بعدی برای به نتیجه رساندن این اعتصاب است.

## ۶- برای پیمانکاران بد حساب کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه ای از یک کارگر پروژه ای به دستمان رسیده است که عین نقل می کنیم:

سلام خسته نباشی. ببخش مزاحم شدم. سه ماه برای آقای کرامت سلحشور کار کردم پالایشگاه آبادان. بعد بخاطر اینکه خوابگاه و خدمات رفاهی افتضاح بود، مجبور شدم اومدم مرخصی و دیگه نرفتم سرکار. سلحشور گفت پولاتو نمیدم تا خودت بیای تسویه حساب کنی. در حالی که وسیله و ابزار کار رو تحویل داده بودم. بچه ها حاضر بودن تسویه حسابمو بگیرن. به هر حال منو کشوندن توکارگاه. تسویه حساب کردیم. گفت پولاتو دو روز دیگه میریزم به حسابت. بخاطر دوستم که اونجا فرمن بود قبول کردم. بعد از یکماه به حسابم پول ریختن پانصد هزار تومن کم بود. زنگ زدم که چرا کم ریختی؟ گفت پول کفش ها رو کم کردم، پول گیت پاس هم کم شده. درحالی که گیت پاس تحویل داده بودم. گفت داخل صورت وضعیت ما پول گیت پاس کم میشه. از مسوولین سندیکا خواهش میکنم این نوشته منو بزاره داخل گروه تا کسی برای این بی شرفا کارکنه. امضا محفوظ

## ۷- وضعیت در شهرک صنعتی بزرگ اصفهان و شاپور جدید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در شهرک صنعتی بزرگ اصفهان و شاپور جدید با ۳۰۰ کارگر، حقوق ها بسیار پایین است بطوریکه به سرپرست ۵ میلیون حقوق می دهد و به کارگران تازه وارد تا شش ماه حقوقی معادل ماهی ۲ میلیون تومان می دهند. رییس شرکت به مهندسان رشوه میدهد تا به کارگران مرتب بگویند که: «از اینجا بروید کار نیست، گرونی هست و به گدایی می افتید» تا کارگر به هر ذلتی تن بدهند. حقوق جوشکار زیر ۶ میلیون تومان است. با این شرایط کارگران به فرسودگی زودرس می رسند. کارگر پروژه ای دیگر باید متاهل شدن و ماشین و خانه خریدن را در رویا ببیند.

این چه عدالتی که یک دندانپزشک ساعتی ۲ میلیون کار کند ولی یک کارگر ۳۰ روز با ۴۰۰ ساعت کار یا بیشتر باید زیر ۶ میلیون حقوق بگیرد آنهم با دعوای اعتصاب.

## از مس سرچشمه چه خبر؟

پرداخت مطالبات کارگری در مجتمع مس سرچشمه در پایان سال ۹۹

بر اساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجتمع مس سرچشمه، ضمن اعلام این امر که شرکت های پیمانکاری در این مجتمع به شکلی حداکثری و با مشارکتی بالا، متقاضی تعیین نرخ افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم در سال جاری بوده اند، بدین شرح گزارش شده است که شرکت های ذکر شده در پایین در شرایط نامساعد اقتصادی دستمزد بگیرها و تورم افسارگسیخته، نسبت به پرداخت معوقه های پرسنلی و کارگری خود اقدام ننموده اند: شرکت مینا تک جو: مشاور طرح خردایش و فلوتاسیون دره زار، حقوق دیمه خود را به صورت علی الحساب پرداخت نموده و تاکنون عیدی و دستمزد ماههای پایانی سال را نیز پرداخت نکرده است.

شرکت سبافام: کمافی السابق تاکنون اقدامی برای تسویه حساب پیمانکاران و برخی پرسنل که در سال ۹۷ خاتمه ی فعالیت شده اند ننموده و به شکلی بی سابقه از همان سال تاکنون نسبت به تسویه حساب پیمانکار دست اول خود با نام پیمانکاری نوروزی با مطالبه ای چندین میلیاردی نیز برنامه ای در پیش رو ندارد؛ متأسفانه ظاهراً کارفرمای طرح نیز هیچ برنامه ای برای رفع این بی عدالتی ندارد.

شرکت سرمایه گذاری با وجود وابستگی نزدیک به بدنه ی کارفرما تا کنون نسبت به پرداخت عیدی پرسنل خود اقدام نکرده است.

شرکت نیروصنعت سرچشمه: این شرکت بومی نیز از دیمه سال جاری برای پرداخت حقوق و عیدی سال گذشته اقدامی نکرده است.

شرکت پارسیان: نیز از دیمه سال جاری نسبت به پرداخت کارگران خود اقدام ننموده است.

گزارشگر پیام سندیکا \_ مجتمع مس سرچشمه

## ۱- کاشت سیب زمینی و هزاران ناگفته دیگر!!

تغییر اقلیم و عدم کارشناسی و مدیریت نهادهای دولتی مرتبط در امر کشاورزی، کشت سیب زمینی را در فیروزکوه فاقد توجیه اقتصادی نموده و این رشته از کشاورزی را با مخاطره روبرو نموده است. پنج هزار تن سیب زمینی در انبارهای سنتی فیروزکوه در حال پوسیدن است اما برای فروش حتی به نصف قیمت نرخ تولید شده نیز، بازاری یافت نمی شود و همین امر کشاورزان را تا مرز ورشکستگی نزدیک کرده است. از آنجایی که در بازار جهانی نقش و جایگاهی نداریم، صادرات سیب زمینی به صفر رسیده و حتی عراق نیز از خرید این محصول امتناع می کند که منجر به دپوی سیب زمینی در انبارها گشته است. همچنین به دلیل سیطره اقتصاد نئولیبرالیستی و تفکرات همچون فریدمنیسم بر تولیدات و مراکز تولید، اعم از صنعتی و کشاورزی و زیر مجموعه کشاورزی مانند دامداری و شیلات و باغداری و پرورش قارچ، مانوفاکتورها را به نابودی می کشاند. عواقب پوسیدگی هزاران تن سیب زمینی در شهرستان فیروزکوه ضربات سنگینی را به اقتصاد خانوارهای کشاورزی و همچنین اقتصاد ملی وارد می سازد که جبران آن نیز هزینه گزافی را بر اقتصاد جامعه تولیدی، تحمیل می نماید. یکی از مباحث بسیار بنیادی به مخاطره انداختن بهداشت محیط زیست و ضربات غیر قابل جبران به بهداشت شهروندان و خانوارهای کشاورزی می باشد که نهادهای مرتبط به موضوع بهداشت و نهادهای مسئول در شهرستان هیچ توجهی به این مهم نمی کنند. برای رهایی از سیطره این معضلات بر اقتصاد کشاورزی ابتدا باید دست دلان را از مدار تولیدات کشاورزی چه مرحله کاشت و داشت و برداشت قطع نمود.

## ۲- بازنده های کشاورزی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، بازنده ترین افراد جامعه کشاورزان هستند که محصولشان یا بفروش نمی رود و یا دلال آن را کمتر از قیمت تمام شده از می خرد. الان پنج ماه از چیدن سیب زمینی در فیروزکوه میگذرد و هنوز مشتری با نصف قیمت تمام شده پیدا نشده است. هر کیلو ۲۵۰۰ تومان ضرر کشاورز تاکنون شده و حدود پنج هزارتن سیب زمینی در انبارهای شهر در حال پوسیدن هست. بزودی باید برای هزینه ریختن آنها در بیابان از بانکها التماس تسهیلات با بهره قریب ۳۰٪ بکنند و باید به این بهره کمرشکن و بدهکاری به بانک کشاورزی، تسهیلات خرید بذر و مرحله کاشت و داشت و برداشت را اضافه نمود. خصوصاً اگر سود اختصاص یافته به وام معوق را در نظر بگیریم که برای سود آن بهره ای برابر با قیمت کل برداشت را باید بپردازند. بی مورد نیست که درصد بالایی از کشاورزان خرده مالک اندک زمینهای خود را فروخته تا بتوانند از اسارت بانک و دلال و سلف خر بیرون بیایند و اکنون در خیابانها گدایی می کنند. کشاورزان بردگان نوین مکتب

اقتصادی نئولیبرالیسم میباشند که در توحش فقر ببار آمده از نظم غارتگر سرمایه داری و غارت نهادهای مرتبط به نظم سرمایه داری مانند بانکها و مناسبات بازار هم دست از تولید در عرصه کشاورزی و زیر مجموعه کشاورزی کشیدند و هم بدلیل فقر با خانواده از هم پاشیده مواجه هستند. اینان عمدتاً حاشیه کلان شهرها و حلبی آبادها را گسترش دادند و مزارع و مراتع و مراکز تولید آبزیان و دامداری ها و زنبورداری و باغات با ترک این دسته از کشاورزان، تخریب و نابود شدند و در این میان مجریان میانی و اصول اقتصاد نئولیبرالیسم مسرور و مشعوف از نابودی مراکز تولیدی بیشمار و همچنین تجار خوشحال تر از این بابت که میتوانند کالاهای تراریخته کشورهای متروپل را به ملت ایران قالب نمایند

### ۳- سبب زمینی و خیانت به مردم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، وقتی همه چشم به خلافتکاری ها می بندند و پدرسوخته بازی در میان سودجویان به امری عادی تبدیل می گردد سلامت جامعه به خطر خواهد افتاد. در سالهایی که بدلیل بی مدیریتی و نبود صادرات، فروش سبب زمینی ناممکن می شود کشاورزان در اواخر فروردین بالاجبار این حجم وسیع سبب زمینی را در بیابانها و حاشیه جاده ها و حاشیه شهر و روستا تخلیه می کنند که پوسیدگی سبب زمینی علاوه بر بوی بد، محل پرورش پشه ها و مگس و میکروبها و ویروسها میشود و..... با دادن سموم بی کیفیت و ریختن اسید به داخل چاه آب که در سبب زمینی باعث افزایش نیترات می شود. در واقع باید ppm حدود ۱۷۰ باشد ولی با این روش تا ۴۸۰ و ۷۱۰ هم دیده می شود. سالهاست نتایج ریختن اسید به داخل آب در کشت پیاز محرمانه تلقی شده و اعلام نمی گردد. با این روش در برداشت سبب زمینی در هر هکتار ۲۰ تن تا ۴۰ تن که باید بصورت عادی برداشت کرد را به سطح ۸۰ تا ۱۰۰ تن در هکتار می رسانند. برگشت خوردن سبب زمینی ها از مرز عراق به دلیل وجود نیترات زیاد از جمله این زیان هاست. سودجویی ها و عدم نظارت بر فرایند کشت محصولات و استفاده از کودهای شیمیایی نامرغوب و ریختن اسید در آب باعث کم خونی در بچه ها و ایجاد سرطان در بزرگسالان می شود. همین اتفاق در برنج های وارداتی از هند و پاکستان که دارای آرسنیک بالا به دلیل استفاده از سموم بی کیفیت است باعث افزایش نرخ مبتلایان به سرطان گشته که وزارت بهداشت در همدستی با بازرگانان، اعلام نمی کند.

## اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



### ۱- خرابی دستشویی توقفگاه غرب سامانه یک بی‌آرتی/ پخش آب دستشویی در محوطه و انتشار بوی نامطبوع

بنابر گزارش تصویری رسیده به سندیکا دستشویی توقفگاه غرب سامانه یک بی‌آرتی خراب شده است و آب دستشویی در محوطه اطراف پخش می‌شود. بوی نامطبوع در فضا پراکنده شده است و موجب آزار کارگران است. متأسفانه مدیریت ناکارآمد شرکت واحد حتی از رفع مشکلات پیش پا افتاده کارگران عاجز است و کارگران از امکانات اولیه نظیر سرویس بهداشتی مطلوب محروم هستند.

### ۲- خرابی دستشویی اختصاصی رانندگان شرکت واحد در پایانه آزادی

دستشویی اختصاصی رانندگان در پایانه آزادی که بزرگترین پایانه اتوبوسرانی شهر تهران است و رانندگان سه خط بی‌آرتی شرکت واحد و خطوط زیادی از بخش خصوصی و کارکنان اداری از آن استفاده می‌کنند هفته‌ها است که خراب می‌باشد و هیچ اقدامی برای رفع خرابی آن نشده است. پایانه‌ی به این بزرگی تنها دو دستشویی اختصاصی برای کارکنان دارد که بسیار کم است. ضرورت دارد که رانندگان به راحتی به دستشویی دسترسی داشته باشند تا بتوانند بدون استرس به شهروندان خدمت رسانی کنند. در حال حاضر رانندگان زحمتکش باید از دستشویی عمومی که فاصله بیشتری از خطوط دارد و باید در صف بایستند استفاده کنند. فراهم بودن سرویس بهداشتی و دستشویی از موضوعاتی مهم بهداشت کار است و اتحادیه بزرگ بین‌المللی کارگران نیز این موارد را

برای کارگران پیگیری می‌کنند. سندیکای کارگران شرکت واحد به مدیریت در مورد فراهم نمودن امکانات مورد نیاز رانندگان و کارگران در محیط‌های کار هشدار می‌دهد.

### ۳- سه تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با ابلاغ شعبه ۲ دادسرای اوین به پلیس امنیت احضار شدند

آقایان داود رضوی، عطا باباخانی و علی قربانیان از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، با ابلاغ شعبه ۲ دادسرای اوین، به پلیس امنیت احضار شدند و باید روز شنبه به پلیس امنیت مراجعه کنند. نامبردگان پس از حضور در تجمع مستقل بازنشستگان در مقابل مجلس، از سوی پلیس امنیت تلفنی احضار شدند و در روزهای گذشته نیز از سوی دادسرا ابلاغیه برای‌شان ارسال شده است. لازم به ذکر است این سه عضو سندیکا از بازنشستگان تامین اجتماعی نیز هستند. یادآور می‌شود در روزهای گذشته برای آقای عطا باباخانی پرونده دیگری نیز در شعبه ۱ دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه یک کرج به اتهام "برهم زدن امنیت کشور" گشوده شده است و برابر ابلاغ قضایی، به پلیس امنیت کرج احضار شده است. از سال ۹۸ فشار نهادهای امنیتی به سندیکای کارگران شرکت واحد بسیار تشدید شده است و با هر بهانه‌ای نهادهای امنیتی با اعضای سندیکا تماس تلفنی تهدید آمیز می‌گیرند و یا اعضای سندیکا به پلیس امنیت یا دادسرای اوین احضار می‌شوند. در یک نمونه سال گذشته پانزده تن از اعضای فعال سندیکا با دستور قضایی به پلیس امنیت احضار شدند. در چند سال گذشته تجمعات بازنشستگان با محوریت و فراخوان‌های تشکلات مستقل خود، در اعتراض به مستمری ناچیز و چند برابر زیر خط فقر، در شهرهای مختلف استمرار و رشد داشته است. اما همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد. سرمایه‌های تامین اجتماعی با حق‌بیمه کارگران به وجود آمده است. اما متأسفانه حق اداره سازمان تامین اجتماعی توسط کارگران، که صاحب اصلی این سازمان هستند، از آنان سلب شده و هیچ نقشی در اداره آن ندارند. سندیکای کارگران شرکت واحد هرگونه پرونده سازی و احضار و تهدید اعضایش را محکوم میکند و خواستار منع تعقیب سه عضو این سندیکا میباشد و همچنان از اعتراضات کارگران و بازنشستگان و مزدبگیران تا رسیدن به حقوق پایمال شده شان حمایت می‌کند.

## زحمتکشان دیروز، گرسنگان امروز!

گزارشاتی از تجمع سراسری بازنشستگان تامین اجتماعی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۰ اسفند ۳ در ادامه اعتراضات بازنشستگان در سراسر کشور امروز هم بازنشستگان ۲۵ شهر تهران، کرج، شاهرود، شیراز، ایلام، مشهد، خرمآباد، اراک، اهواز، شوشتر، تبریز، سنندج، کرمانشاه، زنجان، کرمان، دزفول، اصفهان، شوش، شاهرود، آبادان، خرمشهر، بجنورد، قزوین، نیشابور، رشت در شهرستان ها در مقابل اداره کل تامین اجتماعی و در تهران در مقابل وزارت کار و راهپیمایی به سمت سازمان تامین اجتماعی صورت گرفت. حضور پررنگ خاتم های بازنشسته فولاد اصفهان بسیار چشمگیر بود. در تهران سخنرانان از نامه های نوشته شده به آقای قالیباف رییس مجلس و سالاری رییس سازمان تامین اجتماعی سخن گفتند. نامه به آقای قالیباف که با امضای بیش از ۳۰۰۰ بازنشسته مزین به کدملی صورت گرفته بود چنین آمده است: «جناب آقای دکتر قالیباف ریاست محترم قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران با سلام و احترام، بدینوسیله اینجانبان امضا کنندگان زیر، با توجه به بررسی بودجه سال ۱۴۰۰، مطالب زیر را به اطلاع می رسانیم: همانطور که مستحضرید بازنشستگان تامین اجتماعی در همسان سازی اجرا شده در مرداد ۱۳۹۹ نسبت به بازنشستگان کشوری مورد بی مهری قرار گرفتند که این امر موجب ایجاد جو نا امیدی و فاصله طبقاتی در جامعه می گردد. بنابراین نمایندگان محترم مجلس یازدهم در آخرین بازبینی لایحه بودجه، اگر «واقعا» قصد حمایت از کارگران و بیمه شدگان کم درآمد تامین اجتماعی را دارند، باید دو اقدام اساسی انجام دهند: اول اینکه مبلغ ۹۰ هزار میلیارد تومان بطور جداگانه به رد دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی اختصاص دهند و دوم اینکه به این



بند، یک تبصره ی روشن، مشخص و غیرقابل تغییر بیفزایند که این مبلغ، فقط و فقط باید جهت همسان سازی مستمری بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی صرف گردد. بنابراین نمایندگان ضمن افزایش مقدار اعتبار بند (و) به مبلغ ۱۵۰ هزار میلیارد تومان، باید کیفیت آن را نیز تغییر داده و به نفع سازمان، اصلاح و شفاف سازی کنند؛ به صراحت قید کنند ۹۰ هزار میلیارد تومان از این اعتبار، سهم سازمان تامین اجتماعی است و باقی اعتبار باید میان باقی شرکای بند (و) تقسیم شود. نمایندگان مجلس باید و خامت اوضاع سازمان و بیمه شدگان آن را درک کنند که حتی در صورت پرداخت ۹۰ هزار میلیارد تومان اعتبار بند (و) به سازمان، باز هم در ۱۴۰۰ سازمان حداقل ۴۰ هزار میلیارد تومان کسری خواهد داشت. قبلاً از توجه شما برادر محترم کمال تشکر را داریم» همچنین نامه نوشته شده به آقای سالاری رییس سازمان تامین اجتماعی که در تجمع خوانده شد آمده است: «ریاست محترم سازمان تامین اجتماعی جناب آقای سالاری، احتراماً، با توجه به اظهارات مکرر جنابعالی و وزیرکار و دیگر مسوولین در رابطه با ورشکستگی سازمان تامین اجتماعی بدین وسیله از شما می خواهیم در خصوص حقوق دریافتی، مزایا، پاداش، عیدی، وام های گرفته شده از سوی شما، معاونین محترم تان، هیات امنای سازمان و هیات مدیره شستا شفاف سازی کنید! مقایسه ی درآمد مدیران و کارگزاران با ا فشار آسیب پذیر نمایه ای از رعایت عدالت در سازمان است»

تجمع کنندگان با نصب پلاکارد و در دست داشتن تراکت های که حاوی مطالبات معوق از جمله همسان سازی و افزایش دستمزد های زیر خط فقر مطابق نرخ تورم و اجرای قوانین مصوب تامین اجتماعی و اجرای «قانون ساختار.....» مصوب سال ۱۳۸۳ و رفع تبعیض بین صندوق های بازنشستگی بودند و فریاد فریاد از این همه بیداد را سر دادند. البته اجرای هرچه سریعتر همسان سازی مطابق آنچه در صندوق های بازنشستگی لشگری و کشوری انجام شده از خواسته های اعضای سازمان تامین اجتماعی و سایر صندوق های بازنشستگی بود. بازنشستگان با راهپیمایی جلوی ساختمان تامین اجتماعی و وزارت کار عزم خود را برای ادامه مبارزه با قانون شکنان و سوداگران سود پرستی که خود را بخواب خرگوشی زده اند اعلام کردند. در حاشیه گردهمایی یکی از کارگران شرکت واحد می گفت اهل کرمانشاه هستم دو میلیون و هفتصد دستمزد است که اصلاً کفاف زندگیم را نمی کند و اظهار ناامیدی از امنیت شغلی و آینده خود می نمود ضمن همدردی با او گفته شد: این گردهمایی و خواسته های بازنشستگان، جهت رفاه حال شاغلیانی که فردا به مرز بازنشستگی می رسند، نیز است. تجمع ساعت ۱۳ به اتمام رسید.



## همسان سازی کجا بود؟ دروغ، فریب، ریا بود!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۳ اسفند ۱۳۹۹ از ساعت ۱۰ صبح بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به همسان سازی فریبکارانه و عدم محاسبه درست مستمری ها و اختصاص بودجه ۹۰ میلیاردی به دیگر گروه هایی که سهمی در سازمان تامین اجتماعی نداشته، ترمیم قدرت خرید را خواستار شدند. هر چند مدتی است کنشگران این عرصه با تهدیدهای پلیس سیاسی روبرو می شوند اما با این حال بازنشستگان در ۱۹ شهر ایلام، تهران، نیشابور، اهواز، خرم آباد، تبریز، اراک، کرمانشاه، یزد، اصفهان، اردبیل، قزوین، اراک، رشت، مشهد، شوش، دزفول، شوشتر، کرج در مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرشان گرد آمده و از تبعیض و مستمری های حقیرانه گفتند. از جمله شعارها این بود: «دستهای ما خالیه-وضع شما عالیه، حقوق های نجومی-فلاکت عمومی، بیمه های تکمیلی-دزد سر گردنه» در تهران بازنشستگان با سخنرانی و راهپیمایی از مقابل وزارت کار تا سازمان تامین اجتماعی شعارهایی علیه بودجه سال جاری دولت و ریاست سازمان تامین اجتماعی و نظام سرمایه سالارانه حاکم بر اقتصاد و سیاست دادند. با درگیری یک بازنشسته با جوان لباس شخصی که مرتب از همه عکس می گرفت، با شکیبایی بازنشستگان تهرانی خاتمه یافت. بازنشستگان فولادی و معدنی در مقابل مجلس در تهران با پلاکاردها «برقراری حقوق و درمان بازنشسته مطابق آیین نامه فولاد در جدول ۷ قانون بودجه» تجمع کرده بودند.

در اراک کارگران هپکویی با به دوش گرفتن تابوت نمادین شرکت هپکو و راهپیمایی به مرکز شهر اراک و سپس سازمان تامین اجتماعی پرداختند. در قزوین بازنشسته ای از بی ادبی رییس تامین اجتماعی و که با بی اعتنایی با این تجمعات برخورد می کند گفت و اعلام کرد که ایشان به جای پاسخگویی به نیروی انتظامی زنگ می زند. در یزد نامه ای به

امضای تجمع کنندگان به مدیرکل تامین اجتماعی یزد نوشته و خواستار رفع مشکلات معیشتی و درمانی بازنشستگان شدند. تجمع در ساعت ۱۲ خاتمه یافت.

## رزمنده دیروزی، گرسنه امروزیم!



با فراخوان گروههای مختلف بازنشستگان تامین اجتماعی در ۲۲ شهر قزوین، شیراز، تهران، خرم آباد، اصفهان، نیشابور، اراک، اهواز، ایلام، کرج، ارومیه، قزوین، یزد، اردبیل، شوش، تبریز، سنندج، کرمان، مشهد، بجنورد، کرمانشاه، رشت تظاهرات نسبت به موضوعات مستمری های حقیرانه و افزایش حقوق ها بصورت همسان سازی درست انجام گرفت. هر چند در بجنورد این تظاهرات به درگیری بین پیرمردها و پلیس انجامید اما در شهرهای دیگر آرام برگزار شد. در تهران از ساعت ۱۰ بازنشستگان شهرهای کرمانشاه، رشت، قزوین، اراک، قم، ساوه در مقابل مجلس حضور داشتند تا به دیگر بازنشستگان بپیوندند. در بین تجمع کنندگان نسخه هایی از مصاحبه نمایندگانشان با خبرگزاری ایلنا که در هفته قبل صورت گرفته بود پخش شد. بازنشسته ها آرام آرام بنر هایشان را به نرده ها بسته و بلندگویی که از قبل تهیه شده بود در اختیار بازنشستگان زن و مرد قرار گرفت تا شعارها و سخنرانی هایشان را انجام بدهند. نقطه قابل توجه تظاهرات امروز آن بود که علیرغم بگیر و ببندها و احضار و تهدیدهای تلفنی فعالان بازنشستگان که از هفته قبل شروع شده و تا پاسی از شب گذشته ادامه داشت، تعداد تظاهر کنندگان بیش از دفعات قبل بود و تظاهرکنندگان خستگی ناپذیر بودند چنانکه تا

پاسی از بعد از ظهر همچنان کوبنده شعار می دادند و حق خود را طلب می کردند. بازنشسته خانمی که از قزوین آمده بود اعلام کرد: «ما تقاضای رسیدگی از نمایندگان مجلس نسبت به خواسته هایمان داریم، تا کی باید بدبختی بکشیم؟ نماینده انتخاب کردیم برای چی؟ حقوقشون را بالا ببرند؟ ما مجموعه بازنشستگان تامین اجتماعی و لشگری و کشوری باید با هم متحد باشیم و استوار و پیگیر تا موفق شویم» سپس شعار «رزمنده دیروزیم، گرسنه امروزیم» را سرداد که با استقبال بازنشستگان روبرو شد. بازنشستگان با حضور موثر خود با اعلام خواسته های صنفی خود از جمله همسان سازی واقعی و رفع تبعیض در صندوق های بازنشستگی و بازنشستگان همکار و غیرهمکار فریاد می زدند و خواهان اجرای قانون کار در خصوص افزایش میزان دستمزد طبق تورم و جبران عقب افتادگی دستمزدها مطابق قوانین تامین اجتماعی شدند. تعدادی از بازنشستگان ضمن سخنرانی و توضیحات در مورد بدهی های معوق دولت به صندوق تامین اجتماعی و پرداخت هرچه سریعتر بدهی های صندوق با سود معوقه مطرح کردند که بازنشستگان با دادن شعار تأیید می کردند. در دقایق پایانی نماینده اصفهان میان بازنشستگان حاضر شد که با فریادهای اعتراض بازنشستگان روبرو گردید. شعار «نماینده بیا بیرون» و «قالیباف بیا بیرون» بارها سر داده شد. سپس بازنشستگان از مجلس بسوی سازمان برنامه و بودجه راهپیمایی کرده و در حین راهپیمایی منظم، شعار می دادند. جلوی برنامه و بودجه خواهان ملاقات با نوبخت شدند. دعوت از بازنشستگان معترض برای حضور در سازمان برنامه و بودجه کشور منجر به حضور نمایندگانی از تجمع کنندگان به سازمان برنامه دعوت شده و در نشستی با دکتر عوض پور رییس امور سلامت و رفاه اجتماعی، دغدغه ها و مشکلاتشان را مطرح کردند. اعتراض آنها به تبعیض اجرای قانون متناسب سازی برای بازنشستگان تامین اجتماعی و لشگری و کشوری بود و خواهان آن بودند که طبق قول آقای نوبخت، تا قبل از پایان سال یک بار دیگر همسان سازی واقعی انجام گیرد. در این جلسه به آنها گفته شد که پس از تصویب لایحه دوفوریتی ارسال شده به مجلس، متناسب سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی نیز به صورت صد درصدی اجرا خواهد شد. سوال اینست که چرا در خصوص لایحه ی ارسالی در تاریخ ۱۳۹۹،۹،۲۵ مجلس تا کنون اقدامی نکرده و دولت نیز پیگیر لایحه نبوده است!!! ساعت ۱۴ تجمع پایان یافت.

## اتحاد اعضای صندوق های بازنشستگی!



صبح امروز بازنشستگان تامین اجتماعی و صندوق آینده ساز پس از تهیه طوماری که خطاب به آقایان نوبخت، بیات، و عسگری رییس سازمان صدا و سیما تهیه شده بود و به این مراکز داده شده در خبرگزاری ایلنا حضور یافته و مشکلات خود را بیان کردند. در نامه های ارسالی به آقای نوبخت در مورد تعیین وقت برای گفتگو در خصوص مبلغ همسان سازی سال آینده، اعتراض به آقای عسگری در مورد پوشش ندادن خبری اعتراضات بازنشستگان، آقای بیات هم تعیین وقت برای روز ۲۵ بهمن جهت پاسخگویی به تخصیص بودجه همسان سازی نوشته شده بود. متن مصاحبه با نمایندگان بازنشستگان به شرح زیر است: حضور نمایندگان بازنشستگان در ایلنا؛

تحویل سه طومار از مطالبات بازنشستگان/ اعتبار تامین اجتماعی در لایحه بودجه سال بعد ۱۵۰ هزار میلیارد تومان شود/ از تبعیض به ستوه آمده ایم

نمایندگان بازنشستگان از امضای سه طومار توسط مستمری بگیران سازمان خبر دادند؛ در این طومارها به اصلی ترین خواسته های بازنشستگان اشاره شده است. به گزارش خبرنگار ایلنا، سه نماینده از بازنشستگان کارگری با حضور در خبرگزاری کار ایران، از خواسته ها و دغدغه های خود گفتند. این بازنشستگان، یک نارضایتی اساسی دارند: کسی صدای ما را نمی شنود.

این بازنشستگان از امضای سه طومار توسط بیش از ۱۵۰ بازنشسته کارگری تهران خبر دادند؛ یکی خطاب به نوبخت (رئیس سازمان برنامه و بودجه)، یکی خطاب به رئیس کانون عالی بازنشستگان و دیگری خطاب به صداوسیما.

### چرا «شهروند درجه دو» هستیم؟!

بازنشستگان در ارتباط با خواسته‌ها و مطالبات خود با اشاره به رایزنی‌ها و مطالبه‌گری‌هایی که در یکی، دو ماه اخیر صورت دادند؛ می‌گویند: از ابتدای سال، نارضایتی‌ها انباشته شده است؛ ابتدا ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی اجرایی نشد و دریافتی حداقل‌بگیران کارگری به ۲ میلیون و ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان رسید؛ در مرحله بعد، با اجرای همسان‌سازی ناقص، بازهم تبعیض گسترده‌تر شد؛ کشوری‌ها حداقل ۴ میلیون تومان گرفتند و دریافتی ما با ۳۰ سال سابقه به زحمت به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رسید. به گفته این بازنشستگان، تبعیض بسیار آزاردهنده‌تر از ظلمی است که به همگان روا داشته شود؛ چرا بازنشستگان کارگری جزو شهروندان درجه یک محسوب نمی‌شوند و همه امکانات و مواهب برای اعوان و انصار دولت است؟!

### بودجه سازمان ۱۵۰ هزار میلیارد تومان شود

یکی از نمایندگان بازنشستگان با اشاره به تلاش برای تحویل دستی طومار به نهادهای مرتبط گفت: خواسته کلیدی ما در این برهه زمانی که وقت بررسی لایحه بودجه است، افزایش اعتبار سازمان تامین اجتماعی است؛ بدهی دولت به سازمان مدتهاست مرز ۳۰۰ هزار میلیارد تومان را پشت سر گذاشته؛ از سوی دیگر، تبعیض و تفاوت میان دریافتی بازنشستگان صندوق‌های مختلف، بسیار زیاد است؛ بنابراین توقع داریم اعتبار بند (و) تبصره ۲ بودجه، لااقل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان شود و همه این پول، منحصرأً به سازمان تامین اجتماعی اختصاص داده شود؛ مبلغ ۹۰ هزار میلیارد تومان که برخی نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق به دنبال آن هستند، به هیچ‌وجه پاسخگو نیست و نمی‌تواند مشکلات سازمان و بیمه شدگان آن را حل کند. اگر قرار بر اجرای دور جدیدی از متناسب‌سازی است، باید بودجه سازمان به اندازه کافی افزایش یابد.

### شفاف‌سازی کنید!

بازنشسته دیگر، «شفاف‌سازی» را مطالبه‌ی مهم دیگری می‌داند و می‌گوید: ما در تامین اجتماعی نیازمند «اتاق شیشه‌ای» هستیم؛ باید مدیران سازمان گزارش بدهند که پول‌ها کجا می‌رود؛ چرا باید پول «مارک ویلموتس» را شستا بدهد؛ مگر سازمان، بین‌النسلی و

متعلق به طبقه‌ی کارگر نیست؛ چرا به جامعه‌ی ذینفعان گزارش نمی‌دهند که با دارایی‌ها و اموال کارگران چه می‌کنند!؟

عدم واگذاری شرکت‌های شستا به غیر، یک مطالبه‌ی دیگر است؛ بازنشستگان می‌گویند: سرمایه‌های بازنشستگان را نباید به بخش ناکارآمد خصوصی یا خصولتی بدهند تا آنها واحدها را ورشکسته کنند و زمین‌ها و ماشین‌آلات را بفروشند! اگر قرار به واگذاری است، سهام شرکت‌ها را به خود بازنشستگان و کارگران بدهند.

### بازنشستگان باید مشارکت کنند

به گفته آنها، وجود نمایندگان حقیقی بازنشستگان و کارگران در مدیریت سازمان، برای اعتلای این نهاد بیمه‌گر یک ضرورت غیرقابل انکار است؛ نمایندگان بازنشستگان می‌گویند: چرا در هیات امنای سازمان، فقط یک یا دو نماینده کارگران در مقابل شش نماینده دولت وجود دارد؛ باید تعداد نمایندگان جامعه ذینفعان یعنی طبقه‌ی کارگر را لااقل به ۴ نفر برسانند؛ چرا شورای عالی تامین اجتماعی احیا نمی‌شود تا بازنشستگان و کارگران بتوانند در تعیین سرنوشت خود مشارکت فعال داشته و خودشان برای سرمایه‌ها و دارایی‌های خود تصمیم‌گیری کنند؟! اگر نمایندگان واقعی بازنشستگان در سطوح عالی مدیریت حضور داشته باشند، دیگر دغدغه‌ی حیف و میل سرمایه‌های بین‌النسلی از بین می‌رود؛ آن زمان بازنشسته‌ها می‌فهمند که پول‌ها کجا می‌رود. آنها ادامه دادند: نگرانی ما بابت کارگرانی است که امروز شاغل هستند و فردا قرار است بازنشسته شوند؛ بی‌احتیاطی‌ها و بی‌مبالاتی‌های امروز، فردا دامن آنها را می‌گیرد؛ تامین اجتماعی، نهادی بین‌النسلی است و باید برای آیندگان به خوبی صیانت شود.

### چرا عیدی ما کارمندی‌ست؟

این بازنشستگان از دغدغه‌ها و مطالبات دیگری پرده برداشتند: چرا یک بازنشسته کارگری بعد از سی سال کار سخت، باید زیر سه میلیون تومان حقوق ماهانه بگیرد؛ چرا عیدی ما بازنشستگان کارگری، کارمندی و یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است؛ عیدی ما را دولت نمی‌دهد، خود سازمان می‌پردازد؛ مدیرعامل سازمان که هر سال موقع تعیین مستمری، ما را «کارگر» حساب می‌کند و مستمری ما را به اندازه حداقل مزد مصوب شورای عالی کار افزایش می‌دهد، چرا زمان پرداخت عیدی که می‌رسد، به ناگهان ما را کارمند محسوب می‌کند و به اندازه کارمندان به ما عیدی می‌دهد؛ اگر عیدی ما کارمندی است، چرا مزد و مزایایمان برابر با حقوق بازنشستگان دولت نیست!؟

این بازنشستگان با بیان اینکه دولت و سازمان برنامه و بودجه، فقط در فکر زیر مجموعه‌های خودشان هستند و کارگران را در حاشیه قرار می‌دهند؛ ادامه می‌دهند: زحمتکشان را شهروند درجه دو می‌دانند؛ بازنشسته از کارافتاده داریم که بعد از ده سال کار سخت، سلامتش را از دست داده و امروز با یک میلیون تومان حقوق ماهانه زندگی می‌کند؛ مگر با یک میلیون تومان می‌شود امور زندگی را گرداند؟! آیا یک میلیون تومان پول نان خالی می‌شود؟ ما در روزهای اخیر به تامین اجتماعی مراجعه کردیم و از پایین بودن دریافتی بازنشستگان انتقاد کردیم؛ مقامات سازمان کلی فرمول و عدد مقابل ما روی میز چیدند و تلاش کردند بگویند با افزایش مستمری و اجرای متناسب‌سازی، حقوق بازنشسته حداقل بگیر با ۳۰ سال سابقه، ۸۰ درصد اضافه شده؛ اما مساله اینجاست که بازنشستگان با ۱۰ سال سابقه، مشمول ۲۳ درصد افزایش مزدی شده‌اند؛ چرا؟!!

### دولت سرانه درمان کارگران را نمی‌پردازد

این بازنشستگان با اشاره به اصل ۲۹ قانون اساسی؛ از وظایف دولت می‌گویند؛ دولت مسئول است برای همه شهروندان بیمه و بازنشستگی و غرامت بیماری را متقبل شود؛ حال کارگران از حقوق خودشان، برای بازنشستگی پس‌انداز می‌کنند اما «مستمری شایسته» ندارند؛ دولت نه دین خود را به سازمان ادا می‌کند و نه برای طبقه کارگر، «سرانه درمان» می‌پردازد؛ اینها همه عین بی‌عدالتی و تبعیض است. بازنشستگان می‌گویند: درمان رایگان نداریم هرچند در قانون الزام بر آن تاکید شده؛ در عوض آن، مجبور هستیم از مستمری ناچیز خود، پول بابت بیمه تکمیلی بپردازیم؛ چرا بعد از سی سال بیمه‌پردازی، هنوز نیازمند بیمه تکمیلی هستیم؛ مگر درمان رایگان، حق زحمتکشان اجتماع نیست؟! دولت جنس خودش را گران به تامین اجتماعی می‌فروشد اما جنس تامین اجتماعی را بسیار ارزان در بورس عرضه می‌کند؛ یعنی زمانی که پای پرداخت بدهی دولت در بین است، شرکت‌های دولتی را خیلی بالا قیمت‌گذاری می‌کنند و به سازمان می‌دهند ولی وقتی پای واگذاری شرکت‌های شستاست، آنها را با قیمت نازل در بورس عرضه می‌کنند و چوب حراج به سرمایه‌های تاریخی کارگران می‌زنند.

این بازنشستگان در پایان می‌گویند: نیازمند حسابرسی دقیق و شفافیت هستیم؛ باید بدانیم سرمایه‌های کارگران کجا خرج می‌شود؛ دولت چرا شرکت‌های ورشکسته را به سازمان می‌دهد و چرا حساب‌رسان دادگستری به این مباحث ورود نمی‌کنند؛ اگر دارایی‌های بین‌النسلی طبقه‌ی کارگر به تاراج برود، تکلیف کارگرانی که قرار است فردا و پس فردا و پسین فردا بازنشسته شوند، به راستی چه می‌شود؟!!



## کارگران در هر سیستمی مالک کارخانه هستند!



کارگران نباید در هیچ سیستمی چه خصوصی و یا دولتی از فکر اینکه مالک کارخانه نیستند بیرون بیایند. کارخانه حتما از خانه خودمان هم باید برایمان مهمتر باشد چرا که نان ما و شخصیت اجتماعی ما در آنجاست هر چند که مالکی خصوصی داشته و یا مدیریتی دولتی در آن کار کند. کارخانه محلی است برای معیشت نسل های بعدی پس نباید موضوعاتی که مربوط به زندگی کارگران است را، دست کم گرفت. امروز در هفت تپه شکرها را مالک دغلاکارش بیرون برده و می فروشد. برای اینکه رفقای ما در نیشکر هفت تپه در خصوص این دستبردها بتوانند راهکاری درست اتخاذ کنند در ادامه گوشه ای از مبارزات کارگری و تجربه کارگران ساوه ای را که می تواند برای همه زحمتکشان ایرانی درس آموز باشد، را می آوریم.

(بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران)

کارخانه داروسازی نوین کاوش مامپیر(نو کام) با داشتن ۶۳ پرسنل واقع در شهر صنعتی ساوه از سال ۸۲ فعالیت تولیدی خود را آغاز کرد. این کارخانه با چارت سازمانی سهامداران، هیات مدیره، مدیرعامل، مدیرکارخانه، مدیران ارشد(مسئول فنی، مدیرتولید، مدیرفنی، مدیر تضمین کیفیت، مدیر کنترل کیفیت، مدیر آزمایشگاه، اداری، تحقیقات و حراست و نگهبانی) و کارگران در واحد تولید و فنی و خدمات در زمینه تولید مواد اولیه دارویی شروع به کار کرد. فعالیت این کارخانه تا سال ۹۵ به خوبی ادامه داشت و در اوایل همین سال بود که با بحران مدیریتی روبرو شد و بین شرکا اختلاف پیش آمد. این شرکت بعد از دست به دست شدن و تغییر سهامداران آن، سرانجام توسط یک فامیل که عمده

سهام آن را داشتند هدایت می شد. در سال ۹۵ بین فامیل های سهام دار به دلایل نامعلوم اختلاف بوجود آمد که موجب تعطیلی کامل کارخانه گشت. این تجربه مربوط به همان سالها و اوج مبارزات کارگران آن کارخانه جهت دستیابی به حق و حقوقشان می باشد ۹۵ تا ۹۷. در سال ۹۴ اختلافات بین سهامداران اوج گرفت و نهایتا تولید کارخانه کمتر و کمتر شد، در عین حال در زمانی که تولید نبود از بانک وام گرفته شد که بخشی از آن صرف طرح و توسعه کارخانه شود، هزینه ای که در آن شرایط لازم نبود و ماه به ماه حقوق کارگران به دلیل بهانه نبود تولید عقب افتاد (اما کار توسعه شرکت و ساخت سالن جدید ادامه داشت) برای ما سوال بود: پس چرا حقوقها را نمی دهند؟ کارگران بعد ۳ ماه عقب افتادگی حقوق شروع به اعتراض کردند. مدیرعامل کارخانه با بی درایتی گفت که هر کسی می خواهد بماند و هر کسی می خواهد برود. کسی از کارگران کارخانه را ترک نکرد و بدون حقوق در کار طرح و توسعه شرکت می کردند به این امید که اوضاع سروسامان پیدا خواهد کرد و بهتر خواهد شد. هر نوع کاری را می کردند اما با نارضایتی. از کار ساختمانی وجوشکاری، رنگ کاری و... انجام می دادند. طلب کارگران هر ماه بیشتر می شد. مدیرعامل تعدادی از کارگران را به دلیل اعتراض اخراج نمود. مبارزات کارگران شکل جدیدی به خود گرفت و بیشتر با هم مشورت می کردند. من خسرو به عنوان عضو از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک مشکلات را به سندیکا منتقل نموده و از آنها رهنمود خواستم. از این به بعد با همکاری سندیکا تلاش شد راه درست برای گرفتن مطالبات را اجرایی کنیم. در اولین قدم رفت و آمد ما به اداره کار باز شد و جلسات متعددی در اداره کار ساوه با رییس اداره کار برگزار شد که اداره کار جانب کارگران را گرفت و به کارفرما فشار آورد که حقوق عقب مانده کارگران را بدهد. در این زمان کارخانه تعطیل شده بود و تنها ۷ نفر در آن بودند که ۴ نگهبان و یک اداری و ۲ نفر فنی برای نگهداری از دستگاهها. از سوی دیگر سهامدار اصلی شرکت دکتر علیپور به کانادا رفت و کارها را بدست یک نماینده بی کفایت و ظاهرن کلاهبردار داد. کارگران مانده بودند و نماینده یا وکیل دکتر. تقریبین بدهی کارخانه به کارگران حدود یک میلیارد بود که مبلغ ناچیزی بود اما همین مقدار را نماینده کارفرما نمی خواست بپردازد و می گفت دکتر نیست و باید حسابرسی شود. در این مرحله ما باید راه هایی را در پیش می گرفتیم تا بتوانیم به نتیجه مطلوب و بدون اینکه اتحادمان از بین برود به خواسته هایمان برسیم. چون کارخانه ما یک کارخانه داروسازی کوچک مواد اولیه دارویی بود و تعداد کارگران نیز کم بود، لذا دستیابی به خواسته ها از یک نظر آسانتر بود اما در عین حال اگر هوشیاری و آگاهی در سطح رهبران کارگران نبود گرفتن حق و حقوق نیز با مشکل روبرو می شد. بنابراین ما اهدافمان را مشخص کردیم که عبارت بود از: ۱- گرفتن حقوق عقب مانده ۲- گرفتن سنوات ۳- کمک به بازگشایی مجدد کارخانه (تا جایی که از دست ما کاری بر می آید) ۴- بازگشت به کار.

روش های دستیابی به این خواسته ها را بررسی کردیم که عبارت بود از:

۱- شکایت به اداره کار برای حقوق سنوات ۲- مذاکره با نماینده کارفرما و پیدا کردن راه حل برد-برد. ۳- تقسیم بندی کارگران به ۴ گروه که شکایت خود را بصورت دسته جمعی و گروهی پیگیری کنند.

متأسفانه با تمام حس همکاری کارگران، نماینده کارفرما در مراحل شکایت با قدردی در هیچ مرحله ای حضور نیافت (که نشان از نادانی او از مراحل شکایت در اداره کار بود) تا در همان مرحله اول با توافق یکدیگر مشکل را حل کنیم و این به نفع ما شد و حکم غیابن صادر شد. کارفرما بصورت قانونی به پرداخت حق و حقوق ما محکوم شد. ما حکم محکومیت و پرداخت مطالبات را به دادگاه انقلاب بردیم و در واحد اجرای احکام، نماینده کارفرما به دادگاه فراخوانده شد که بعد از چندین ماه و چند بار فراخوان، کارفرما در دادگاه حضور نیافت و ما علیرغم میل باطنی حکم توقیف اموال کارخانه را گرفتیم و هر گروه تعدادی از دستگاه های کارخانه را بعد از کارشناسی قیمت توسط کارشناس دادگاه توقیف و پلمپ نمودیم (هزینه کارشناس را ما دادیم). حتی توانستیم با هماهنگی قبلی در آن زمان ماشین مدل بالای مدیرعامل را که برای سرکشی به کارخانه آمده بود را توقیف کنیم و او را با ماشین کرایه روانه تهران نماییم. توقیف ماشین مدیرعامل روحیه کارگران را بهتر نمود. مدیرعامل با اصرار از کارگران خواست که ماشین زیر پایش را توقیف نکنیم که در جواب او یکی از کارگران گفت: «همانطور که شما در سال نو و شب عید ما را بیکار کردی و همسرم که موقع زایمانش بود و به پول نیازمند بودم و اصرار به شما کردم که مرا بیرون نکنی و شما توجه ای به حرف من نکردید، ما هم الان به حرف شما گوش نمی دهیم و حتمن ماشین را توقیف می کنیم و شما باید با کرایه به تهران بروید»

ما در روزهای بعد کارخانه را زیر نظر داشتیم و متوجه شدیم که نماینده کارفرما مخفیانه قصد فروش دستگاههای کارخانه را دارد بدین منظور ما فوراً به دادگاه مراجعه نمودیم و نامه ای تهیه نمودیم با امضای کارگران که کارفرما قصد فروش دستگاههای کارخانه را دارد. تعدادی از دستگاهها را که ما توقیف کرده بودیم، ولی او با فروش مابقی دستگاهها قصد از بین بردن کارخانه را داشت. این در شرایط کنونی که کشور به دارو نیازمند است، اخلال در امر اقتصاد می باشد و خواهان پلمپ درب سالن تولید، فنی و آزمایشگاه و درب بزرگ ورودی ماشین رو شدیم. در گفتگو با رییس دادگاه انقلاب گفتیم: «با این کار کارفرما، دیگر از کارخانه نشانی نخواهد ماند و یکی از کارخانه های فعال در عرصه تولید دارو از بین خواهد رفت» با همکاری دادستان حکم پلمپ درب ها را گرفته و از نگهبانها نیز خواستیم که کوچکترین خروجی اموال را به ما گزارش دهند وگرنه خود شریک جرم خواهند بود. با این همه هنوز کارفرما حاضر به پرداخت حقوق کارگران نشد. ما فشار را بیشتر نموده، تعدادی از ما هر روز به اجرای احکام رفته خواستار آمدن نماینده کارفرما به دادگاه شدیم و در غیر این صورت فروش تعدادی از دستگاهها را به مزایده گذاشتیم. گذاشتن مزایده اساسن خواست قلبی کارگران نبود چون اگر دستگاهها به فروش می رفت

این بار نیز از کارخانه نشانی نمی ماند. اما ما امیدوار بودیم که از این طریق کارفرما را به دادگاه بکشانیم. مزایه انجام شد. خریداران دعوت شدند تا به اجرای احکام بیایند و قیمت های خود را بدهند. در چنین شرایطی نماینده کارفرما آمد و قول اجرای مطالبات کارگران را داد و خواستار عقب افتادن فروش و فرصت شد. خریداران نیز چون قیمت ها مناسب بود اصرار به خرید داشتند. این موضوع نماینده کارفرما را وادار کرد تا به صورت کتبی در اجرای احکام قول به دادن مطالبات با امضای خود شد. در این میان گفتگو بین کارگران آغاز شد. تعدادی از کارگران خواهان حراج دستگاهها بوده و گفتند که برایشان گرفتن حقوق مهم است و ما دیگر نمی خواهیم که در این شرکت کار کنیم و سرنوشت آن برای ما مهم نیست و این همه بلا سرما آمده و الان باید قاطع باشیم دستگاهها را بفروشیم، تعدادی دیگر بر این نظر بودند که تا جایی که امکان دارد نباید بگذاریم که کارخانه از بین برود و اگر فرصتی کارفرما می خواهد به او بدهیم البته بصورت مکتوب در اجرای احکام. ما که ۲ سال صبر کردیم یک ماه هم صبر می کنیم ولی بعد آن فرصتی نمی دهیم (ناگفته نماند که با گفتگو با رییس دادگاه انقلاب ایشان گفتند که به هیچوجه نمی توانند در شرایط کنونی دستور حراج و فروش را بدهند) با این آگاهی که ما داشتیم نظر دوم غالب شد و فرصت یک ماهه داده شد که سرانجام در فرصت داده شده کارفرما با اقساط در ۴ مرحله دو ماه به دو ماه، تمامی مطالبات کارگران را پرداخت. الان کارخانه با سهامداران جدید شروع به کار کرده و با حدود ۲۰ کارگر به تولید مشغول است و در آینده نیز نیروی جدید می گیرد. تعدادی از کارگران قدیم نیز مجدداً به کار بازگشتند. درس هایی که ما گرفتیم: ۱- اتحاد همه کارگران یا اکثریت آنها لازم است. ۲- هدف گذاری باید روشن باشد و مطالبات باید شفاف باشد ۳- کارگرانی که مطالبات را پیگیری می کنند باید رهبرانی را انتخاب کنند که کاملاً سازش ناپذیر، آگاه، و جانبدار کارگران بوده و تطمیع نشوند. ۴- از همه اشکال دستیابی به خواسته استفاده کنند (مذاکره، تجمع، اعتصاب...) ۵- صبور باشیم و همواره حرکت بعدی حریف را از قبل پیش بینی کنیم ۶- از تجربیات دیگر کارخانجات که مشکلی مانند ما دارند استفاده کنیم و با آنها هماهنگ شویم ۷- از تشکل های مستقل کارگری استفاده کنیم (که ما از سندیکای فلزکارمکانیک بهره بردیم. ۸- از فضای مجازی برای رسیدن صدایمان استفاده کنیم (که در آن زمان ما در فضای مجازی اخبار کارخانه را توسط سایت سندیکای فلزکارمکانیک، خبری کردیم).

اگر راهکارهای سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و درایت کارگران آگاه و استدلال اینکه «کارخانه خانه ماست و نباید متلاشی شود» نبود، امروز خانواده های کارگران شاغل در این کارخانه معلوم نبود چه سرنوشتی می داشتند. ما کارخانه را برای شهر، برای جنبش کارگری، سندیکای فلزکارمکانیک و از همه مهمتر فرزندانمان حفظ نمودیم.

در پایان امیدوارم که این تجربیات به درد دیگر کارگران بیاید. سپاس. خسرو از سندیکا.

## تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

باز هم در اتوبوس

امروز صبح از جلو امیر باغی (شهرک میلاد) عجبشیر سوار اتوبوس شدم بروم تبریز به کارگاهم. سه شنبه ها بازار (مال بازاری) گاو و گوسفند «خیسروش» می باشد. چند نفرحشمدار هم همسفر ما بودند. خانمی اعتراض می کرد: آقای راننده قویون اییی گنلیی(بوی گوسفند میاد) ما انسانیم و چرا و چرا؟؟؟ کسی هم حرفی نمی زد. بیچاره راننده هم با آرامی می گفت: الان می رسیم «خیسروش» پیاده می شوند. خانم هم دست بردار نبود، می گفت: این بوی بد یکماه از ماشین شما نمی رود. یکی دو نفر هم طرف خانم را می گرفتند ما هم انسانیم این چه کاریه؟؟

من ناراحت شدم بلند شدم وسط اتوبوس ایستادم رویم را کردم به مسافرین گفتم: ما سالها با گاو و گوسفندان و سگ و گرگ زندگی می کنیم داخل این بو شبها که خیلی ها کنار سופاز و ..راحت می خوابند ما چند بار داخل طویله می رویم تا ببینیم برای حیوانها مشکلی بوجود نیامده باشد. ائوه دیبه دوشمییب لر. در سرما و گرما و باد و باران در صحرا و بیابان دنبال اینها هستیم تا برای هموطن نمان گوشت و پشم و لبنیات فراهم سازیم. شما حساب کنید در طول این یک سال وسایل چقدر گران شده گوشت ووو چقدر؟؟؟ شما یک روز مشکلات ما را نمی توانید تحمل کنید. آره ما هم انسانیم ما هم در این کشور زندگی می کنیم. هرکس هم کوچکتترین اشتباهی بکند یا دیر فهم باشد می فرماید ولش کن چوپان است. چوپان نفهم شده؟ چه کار اشتباهی برای وطن اش کرده؟ ما افتخار می کنیم که چوپانیم، اما بیا بشینیم پیش جمعی. حرکات و حرفهایی که می زنیید را دآوری کنیم آنوقت معلوم شود نفهم کیست. ما حشمداران اختلاس نمی کنیم، حق کسی را نمی خوریم، وسایل قلبی نمی فروشیم، دروغ نمی گوئیم. در کتاب ها درسی هست بنام چوپان دروغگو .

چرا درسی اضافه نمی کنند شورای، رئیس، وکیل، دکتر، مهندس، حاجی، کربلایی، مشهدی، تاجر وووو دروغگو.

شما یک ساعت تحمل نمی کنی کنار ما بنشینید ما سالها تحمل می کنیم. ایکاش ما هم هر روز نیم ساعت آرایش می کردیم، عطر و ادکلن می زدیم، کنار شما می نشستیم تا خوشتان بیاید. یک لحظه فکر کنید ما حتا نیم ساعت مرخصی نداریم. ما هم دوست داریم راحت زندگی کنیم غیر از خودمان خانواده‌ها یمان هم استراحت ندارند.

سکوتی فضای ماشین را در برگرفت. گفتم در جنگ خیلی ها جانشان را فدا کردند، جانبازی را می شناسم سی سال فقط سقف خانه را می ببند او هم انسان است تاوان می دهد. تاوان عشق به خاک و میهن. یک روز در سینما همه منتظر فیلم بودند، مسئول فیلم یک دقیقه دیوار سفید را نشان داد. سوت و فریاد و .. بلند شد!!!! بعد چراغ ها روشن شد. خانمی آمدند روی صحنه گفتند: شما یک دقیقه نتوانستید روی صندلی، تخمه دستتان، با سلامتی کامل، فیلم دیوار را تحمل کنید. جانبازانی هستند سالهاست نه می توانند تکان بخورند نه حرفی بزنند فقط دیوار را می ببینند. همه نگاه کردند کسی حرفی نزد.

گفتم: من تراشکارم اما یک چوپان را از خیلی ها بیشتر دوست دارم و ارزش قائلم و خسته نباشید می گویم به تمام حشمداران، دامداران، مرغداران، چوپانان و کشاورزان که شب و روز در سخت ترین وضعیت تلاش می کنند تا آقایان و خانم ها براحتی از وسایل استفاده کنند. کسانی که در آپارتمان می ترسند، ما شب ها در بیابانها که حتا گوشی هم خط نمی دهد می خوابیم.

کازیم عاشقی

## روز جهانی زن بر همه زنان کشورمان شادباش!

### وقتی من مادر می‌گویم «خسته‌ام»، منظورم چیست؟

حتا یک مادر هم می‌تواند با تصویری که از مادری برای خودش ساخته، زن ستیز باشد. مسوولیت‌های مادری خسته‌کننده است و از یک الگوی زن‌ستیز می‌آید... امید من برای آینده این است که اگر دخترم تصمیم بگیرد صاحب فرزند شود، جنسیت او تعیین کننده میزان انتظارات از او نباشد. هر روز بدون استثنا می‌گویم «خسته شده‌ام». حتا اگر در طول روز چرت بزنم، یا دخترم تمام شب را بخوابد، باز هم احساس خستگی می‌کنم. زیرا این مادر «خسته» است و هیچ مقدار خواب نمی‌تواند آن خستگی را برطرف کند. نکات زیادی در مادری وجود دارد که خسته کننده است. بیشتر این نکات از نظر جسمی خسته کننده هستند. اما چون این احساسات پیچیده است و نمی‌توانم آنها را توضیح دهم، فقط می‌گویم «خسته‌ام» اما منظور من واقع این نیست.

### من از اینکه مسوولیت‌پذیر باشم خسته شده‌ام

گرچه مادر بودن را دوست دارم اما من هم انسان هستم. احساس می‌کنم از من انتظارات فوق بشری می‌رود. از من انتظار می‌رود که دارای استقامت، پرانرژی و انعطاف پذیر باشم و من این طوری نیستم. می‌توانم وانمود کنم که چنینم. اما حفظ و استمرار آن غیرممکن است. از هیچ انسانی انتظار نمی‌رود که همه این مسوولیت‌ها را بدون آسیب دیدن و خستگی انجام دهد. اما از یک مادر انتظار می‌رود که بتواند همه کارها را بدون نیاز به استراحت انجام دهد. هیچ وقفه‌ای برای مادران وجود ندارد. حتا وقتی «استراحت» می‌کنم فقط از نظر جسمی استراحت می‌کنم. از نظر ذهنی، من هنوز درگیر هستم، زیرا اگر توپی را که در ذهن دارم رها کنم، هیچ کس دیگری فکر نمی‌کند که باید آن را بگیرد.

## ماه بانوی زندگیت را پیدا کن!

مهمانی داشتم که برای عقد یک قرارداد کاری به کرمان آمده بود. با هم در کارخانه چرخ زدم و برایش توضیح دادم که کارهای ما چگونه پیش می‌رود. موقع ناهار به طعنه گفتم: «خیلی آدم زرنگی هستی که بیشتر کارگرانت زن هستند.» گفتم چطور؟ گفت: «زنان دستمزد پایین‌تری می‌گیرند و انتظاراتشان محدود است.» از این جمله ناراحت شدم و گفتم: «دست کم ۲۵۰ زن در کارخانه من کار می‌کنند؛ برای من به صرفه است که چند دستگاه مدرن «سورتر پسته» تهیه کنم و به ازای هر دستگاه به ۵۰ زن بگویم کار تمام شد؛ به خانه برو و به بچه‌هایت برس. اما می‌دانی بین این زن‌ها چند ماه‌بانو وجود دارد؟» افسوس که ماه بانو را نمی‌شناخت.

دو پسر من با یک سال فاصله سنی در سال‌های ۶۵ و ۶۶ به دنیا آمدند و نگهداری از هر دو، برای همسر من سخت بود. شنیدم خانم محترمی قرار است روزها چند ساعتی به خانه ما بیاید و در نگهداری پسرها کمک کند. این خانم مدت‌ها در منزل ما کار کرد اما هیچ وقت او را ندیدم تا این که یک شب وقتی به خانه برگشتم، برای اولین بار با او رو در رو شدم. حال همسر من خوب نبود و «ماه بانو» مانده بود تا من به خانه برگردم. دیر وقت بود و می‌خواست به خانه بازگردد اما تاکسی پیدا نمی‌شد؛ باید او را می‌رساندم. سوار ماشین شدیم و حرکت کردیم. در طول راه به خاطر لطف و محبتی که داشت تشکر کردم و خواستم داستان زندگی‌اش را برایم بگوید؛ گفتم: «به سختی روزگار می‌گذرانم، همسر من مدتی است فوت کرده و سرپرستی چهار فرزند را به عهده دارم که یکی از آنها به سرپازی رفته و یکی معلول است.» پرسیدم وقتی روزها به خانه ما می‌آیید، چه کسی از فرزند معلول شما نگهداری می‌کند؟ گفتم: «دختر کوچکم به خاطر نگهداری از خواهرش ترک تحصیل کرده و من هم کار می‌کنم تا امورات زندگی بگذرد.» خیلی ناراحت شدم. دیگر چیزی نگفتم تا به مقصد رسیدیم.

آن شب با ناراحتی گذشت و یکی دو روز بعد زودتر به منزل رفتم تا با ماه بانو صحبت کنم. گفتم: «از وقتی داستان زندگی شما را شنیدم، خواب ندارم. تا همین‌جا شرم‌منده هستم که نمی‌دانستم شما چه شرایط سختی دارید» مقدار قابل توجهی پول در پاکت گذاشته بودم که به ماه بانو بدهم. گفتم: «با این پول چند صبحی روزگار می‌گذرانید و می‌توانید پیش فرزند معلولتان بمانید و دخترتان را هم به مدرسه بفرستید»



پول را نپذیرفت و خیلی ناراحت شد، به حدی که گریه‌اش گرفت. گفت: «اصلن دوست نداشتم درباره زندگی‌ام بگویم و کاش نمی‌گفتم که کارم را از دست ندهم» گفتم: «هدف من این نیست که کارت‌ان را از دست بدهید، می‌خواهم کمک کنم که در خانه بمانید و مراقب فرزندان خود باشید. بچه‌های شما خیلی بیشتر از بچه‌های من نیاز به مراقبت دارند» گفت: «من هیچ پولی قبول نمی‌کنم و اگر می‌خواهید برادری کنید و من هم خوشحال باشم، اجازه بدهید کارم را ادامه دهم»

ماه بانو پول را قبول نکرد و به کارش ادامه داد و چندین بار تلاش من برای کمک مالی باز هم بی‌نتیجه ماند. زن عجیبی بود؛ بسیار متعهد و مسوولیت پذیر و بی‌نهایت سالم و مبادی اخلاق. ماهبانو تا مدت‌ها بعد در منزل ما کار کرد تا اینکه پسرش از سربازی بازگشت و بخشی از مسوولیت زندگی را از روی شانه مادر برداشت. او در تمام این مدت با عزت نفس و احترام فراوان زندگی کرد و هرگز ندیدیم که لب به گلایه و شکایت بگشاید.

زن‌های زیادی را می‌شناسم که داستان‌هایی شبیه ماهبانو دارند. چه بی‌شمارند زنانی که با سختی زیاد کار می‌کنند تا خانواده در چاه فقر نیفتند؛ تا فرزندان رفاه بیشتری داشته باشند؛ تا فرزند معلول خانواده از درمان باز نماند، تا همسر از کار افتاده در رنج نباشد.

نمی‌دانم کدام واژه برای وصف این گونه زنان مناسب است؛ به خصوص که زمانه هم با آنها یار نیست و به سختی روزگار می‌گذرانند. شمارشان کم نیست و در سال‌هایی که اوضاع اقتصاد کمی خوب است، فرصت کار در کارگاه‌های کوچک را پیدا می‌کنند اما زمانی که اوضاع اقتصاد بد می‌شود یا بحرانی به وجود می‌آید، بی‌رحمانه از بازار کار به بیرون رانده می‌شوند. همین اواخر مرکز آمار اعلام کرد؛ در غائله کرونا در فصل بهار حدود ۵۰ درصد زنانی مثل ماهبانو کار خود را از دست داده‌اند، در فصل تابستان حدود ۶۰ درصد و در فصل پاییز حدود ۷۰ تا ۷۵ درصدشان از بازار کار خارج شده‌اند.

به تجربه دریافتم؛ زنانی چون ماهبانو دنبال کمک و حمایت نیستند. می‌خواهند کار کنند و نان بازو بخورند، اما چقدر سخت است ماهبانو بودن.

✓ محسن جلال‌پور



### فقط کفش هایش!

- 1 نامش آذر است، اهل روستای پلوسیلو در منطقه‌ای محروم از شمال خوزستان به نام احمدفداله در قلمرو شهرستان دزفول.
- 2 خنده‌هایش آدم را شرمند می‌کند. این دخترک بختیاری باید الان عروسک بازی کند، اما در روستایی که او زندگی می‌کند، نه گاز وجود ندارد، نه خانه بهداشت، نه تلفن و نه برق و جاده درست‌حسابی ... و او یک تنه شده است: بهانه سرکردن زمستان...
- 3 آذر مجبور است که کمک حال خانواده باشد و با همان اندام نحیف و کوچکش به تامین نیازهای گرمایشی خانه کمک کند ... و البته آن کفش‌های سفید پاشنه‌دار، آدم را همچنان شرمند می‌کند...
- 4 چگونه می‌شود با آن کفش‌ها، ساعت‌ها و کیلومترها در مناطق پرشیب زاگرس راه رفت و هیزم جمع کرد و باز هم چنین زیبا و مسحورکننده به زندگی لبخند زد؟
- 5 آذر را که می‌بینم، فکر می‌کنم که شیرهای سنگی در دیار بختیاری دوباره جان گرفته‌اند و همچنان با اقتدار و امید در بالادست لالی و شیمبار می‌خرامند

...

**6** آیا می‌توان به آذر خرده گرفت که چرا مایملک چوبی رویشگاه زاگرس را دود می‌کند؟ چرا از تاب‌آوری مهم‌ترین منبع تولید آب شیرین ایرانیان می‌کاهد؟ و چرا به فرسایش خاک بیشتر چراغ سبز نشان می‌دهد؟

**7** به جای بیش از دویست هزار میلیارد تومان هزینه برای طرح‌های انتقال آب، چاه‌های غیرمجاز در ایران مرکزی را بخريد و پلمپ کنید و از محل صرفه‌جویی رخداده، جنگل‌های زاگرس را به پناهگاه و پشتوانه‌ای مطمئن برای ژینایی ایران بدل کرده و از شیردخت‌رانی چون آذر فقط انتظار داشته باشیم تا کودکی کنند.

**8** ملتی که کودکانش در کودکی، مجال کودکی بیابند؛ در بزرگی، بزرگی خواهند کرد.

**9** مطابق قانون اساسی کشور کوچک بوتان، دست‌کم شصت درصد مساحت کشور باید برخوردار از رویشگاه جنگلی باشد و جامعه محلی ساکن در این شصت درصد برخوردار از آب، برق و سوخت رایگان هستند تا مجبور به خراشیدن ریه کشور نباشند. بوتان برخوردار از بالاترین نرخ‌های رضایت ملی و کمترین میزان بزهکاری‌های اجتماعی، افسردگی و خودکشی است. شرط تداوم و پایداری خنده‌های آذر، ژینایی دوباره زاگرس است و شرط خیزش دوباره زاگرس، پایان دادن به خشکسالی مدیریتی و الگوگرفتن از تجربه‌های امید بخشی چون جنگل خرد و امید در الگن است.

## کودک همسری ، جنایتی غیرانسانی

▼ در ده ماه سال جاری؛ ثبت ازدواج ۳۷ دختر زیر ۱۵ سال در شهرستان خداآفرین

▼ معاون فرماندار شهرستان خداآفرین واقع در استان آذربایجان شرقی، از ثبت ۳۷ فقره ازدواج دختران زیر ۱۵ سال طی ده ماه سال جاری در این شهرستان خبر داد .

▼ آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از ازدواج در دوران کودکی، ضربات جبران ناپذیری را بر روی زندگی دختران به ویژه بارداری های زیر ۱۸ سال، مرگ و میر مادران، افسردگی، و گاه اقدام به خودکشی گذاشته است. در این میان فقر اقتصادی و قوانین مردسالاری و کودک همسری از مهمترین عوامل ازدواج کودکان بشمار میروند!



عکس: زنان گندمکار خوزستان

اسلحه ها را زنده به گور کنید و "گندم" بکارید.

دیکتاتورها را خلع درجه، و بر سینه ی "کشاورزان" مدال حک کنید.

انبار مهمات را بسوزانید، و کتابخانه بسازید.

فشنگ ها را خفه کنید و قلم ها را "مسلح..."

موشک ها را در قفس کنید و پرندگان را "آزاد..."

مرز ها را به هم بدوزید و "پرچم" ها را در قلب نهران کنید...

انسانیت را قاب کنید بر سینه ی دیوار بکوبید و قبله بسازید

همه جا را آذین ببندید، تا "مطربان" و "کودکان" بنوازند...

آری، زندگی زیباست!...

همچو " سیبی سرخ" در دستان زنی.

## درسنامه (۹)

### سندیکاهای کارگری

سرمایه داری یک سیستم اقتدار اجتماعی تحمیل شده به طبقه کارگر است که با توسل به قوانینی که خود نوشته است، پلیس سرکوبگر، دستگاه قضایی وابسته اش، کشور را در اختیار خود دارد. در حالی که طبقه کارگر در مقابل این سیستم فقط نیروی کار و اگر بتواند همبستگی کارگریش را داراست. پس در نظام سرمایه داری قراردادها نمی تواند عادلانه باشد به ویژه میان سرمایه داران و طبقه زحمتکش. قدرت زحمتکشان در اتحاد و همبستگی نهفته است که توسط سرمایه داری با شیوه های مختلف در هم شکسته می شود و اجازه بروز نمی یابد. پراکندگی کارگران، رقابت برای بدست آوردن کار، تلاش برای حل مشکلات خود به صورت فردی باعث ضعیف شدن همبستگی کارگری و قدرت گرفته سرمایه داری است. نقش سندیکاها در ایجاد همبستگی میان زحمتکشان و تلاش برای رفع مشکلات کارگران باعث محدود کردن رقابت بین کارگران شده و برای بهبود بخشیدن به شرایط کار، قراردادهای بهتر کاری، این انگیزه و آگاهی را در بین کارگران بوجود می آورد که به قدرت خود پی ببرند.

هدف سندیکاهای کارگری دفاع از مطالبات روزمره کارگران در مقابل تجاوز کارفرمایان به دستمزدها، ساعات کار، مسایل درمانی و پزشکی و هر چیزی که به زندگی طبقه کارگر ربط دارد، می باشد. این نوع فعالیت سندیکاها نه تنها ضروری است بلکه تا زمانی که شیوه تولید سرمایه داری پا بر جاست نمی توان از این فعالیت چشم پوشی کرد. کوشش برای گسترش فعالیت های سندیکایی از فوری ترین تلاش های کارگران باید باشد. در حقیقت ایجاد هر سندیکایی سازماندهی طبقه کارگر را آسانتر می کند. سندیکاهای برای بهتر نمودن وضعیت اقتصادی طبقه کارگر و نشان دادن فاصله طبقاتی و غارت

ثروت ملی توسط سیستم سرمایه داری نه تنها ضروری هستند بلکه آنها به عنوان مرکز سازمان یابی زحمتکشان و حرکت به سوی دستیابی به حقوق انسانی اهمیت فوق العاده ای دارند.

در سندیکاهای کارگری گاهی بخشی از رهبران هنوز به آن مرحله از بینش طبقاتی نرسیده‌اند که بدانند مبارزه با سرمایه‌داری یکه و تنها مقدور نیست و این کار، همبستگی با دیگر سندیکاهای کارگری را می‌طلبد. به همین دلیل خود را از دیگر سندیکاها کنار کشیده و مبارزات خود را به تنهایی سازمان می‌دهند. حتا در زمان اعتراضات از همدل کردن سایر کارگران کارخانه‌های همجوار نیز ناتوان بوده و یا چشم‌پوشی می‌کنند.

سندیکاها و رهبرانشان باید فرا بگیرند که علاوه بر اهداف پیش روی سندیکاهای خود باید نه تنها همبستگی کارگری را ارج نهاده و آنرا عملیاتی نمایند بلکه به عنوان کانون سازماندهی طبقه کارگر و تلاش برای مبارزه‌ای متحد با دیگر سندیکاهای کارگری آماده گردند.

سندیکاهای کارگری باید از هر جنبش اجتماعی و سیاسی که به اهداف کارگیشان کمک می‌کند، حمایت کرده و در آن فعالانه شرکت کنند. سندیکاهای کارگری با در نظر گرفتن پیشگامی خود موفق خواهند شد کسانی را که هنوز در خارج از سندیکاهای کارگری قرار دارند به سوی خود جلب کنند. سندیکاهای کارگری باید منافع کم درآمدترین اقشار کارگران را مثل کارگران کشاورزی که اوضاع و شرایط بخصوص نامساعدی توانشان را از بین برده با دقت و دلسوزی مورد توجه قرار دهند. آنها باید در شعارها و مطالب روشن‌گرانه‌شان این اعتقاد را گسترش دهند که کوشش‌هایشان نه تنها برای طبقه و منافع خود بلکه مقصود این کوشش‌ها رها سازی همه مزدبگیران از زندگی نکبت‌باری است که سیستم سرمایه‌داری برایشان رقم زده است.

پایان

## یاد بگیریم و به کار بندیم!

□ سخت و زیان آور بودن شغل چگونه مشخص می‌شود؟

✓ تعیین سخت و زیان آور بودن شغل یا مشاغل بر اساس بررسی سوابق و شرایط محیط کار و توسط کمیته کارشناسان موضوع ماده ۲ آیین نامه اجرایی و متعاقباً کمیته استانی موضوع ماده ۸ آیین نامه اجرایی مربوطه مشخص می‌شود. ♦ حسب درخواست کارگر، کارفرما، تشکل‌ها، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت کار و امور اجتماعی و صندوق تامین اجتماعی، تعیین سخت و زیان آور بودن مشاغل در هر کارگاه با بررسی سوابق، انجام بازدید و بررسی شرایط و با تایید کمیته‌های استانی انجام می‌گیرد.

□ کارگر در چه شرایطی می‌تواند ادعای سفید امضا بودن اسناد کند؟

♦ به دلیل مشاوره‌های اشتباه کارفرمایان تصور می‌کنند که وجود این سند سفید امضا بدین معنی است که کارگر به صورت قانونی به کارفرما این اختیار را داده است که در آینده هر آنچه را که بخواهد می‌تواند در این سند وارد کند و هیچ‌گونه مجازاتی هم ندارد. مدیران و کارفرمایان باید به این موضوع آگاهی داشته باشند که چنین مشاوره و تصویری در خصوص اسناد سفید امضا در حوزه روابط کار کاملاً اشتباه است. در زمان اختلاف بین کارگر و کارفرما، چنانچه کارگر ادعای سفید امضا بودن سند مربوطه را داشته باشد می‌تواند درخواست کارشناسی خط کند.

□ تکرار قرارداد کار با مدت موقت باعث تبدیل آن به قرارداد کار دائم می‌شود؟

✓ انعقاد قرارداد کار با مدت موقت به موجب تبصره‌های یک و دو قانون کار مجاز شناخته شده است. تکرار و تمدید این قراردادها بنابر دستورالعمل شماره ۳۵۷۲۴ مورخ ۱۵/۱۲/۷۳ اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت کار امر را به قرارداد کار دائم تبدیل نمی‌کند. گفتنی است که در این نوع قراردادها نیز کارگران در طول مدت اعتبار قرارداد کار از شرایط حمایتی و حفظ امنیت شغلی برخوردار خواهند بود و در صورت تمدید قرارداد کار کارگران با حفظ سوابق کار قبلی که از توالی و تکرار قرارداد حاصل می‌شود و از مزایای پایان کار پیش بینی شده در ماده ۲۴ قانون کار استفاده خواهند کرد.

## عملکرد نئولیبرالیسم را بشناسیم (۱)

نئولیبرالیسم یعنی اینکه دولت برای یک سازمان غیردولتی که متعلق به کارگران و بازنشستگان است (سازمان تامین اجتماعی) مدیر انتخاب کند و صاحبان این سازمان غیردولتی (کارگران و بازنشستگان) را مجبور به پذیرش سیاست های ضدکارگری خود کند. بعد به این مدیران بی عرضه ای که انتخاب کرده است از اندوخته های کارگران و بازنشسته ها حقوق های چند ده میلیونی و پاداش های چند صد میلیونی و وام های میلیاردی بدون بازگشت بدهد. بعد بگوید کارخانه هایی که این مدیران بی عرضه مدیریتش می کنند ضرر می دهد و تامین اجتماعی هم ورشکسته شده است.

نئولیبرالیسم یعنی اینکه خدماتی را که دولت باید به مردم رایگان بدهد ، محول به بخش خصوصی کند تا بخش خصوصی این خدمات را بفروشد و سود ببرد. مانند بیمه های تکمیلی که به بازنشسته ها و کارگران شاغل تحمیل شده است . شما با دادن ۲۲ هزار تومان از پوشش درمانی که بیمه های خصوصی به شما ارایه خواهند داد، بهره مند می شوید در حالی که ۳۰ سال ۲۰ برابر این مبلغ را به تامین اجتماعی پرداخت کرده اید اما او شما را از این پوشش بیمه ای محروم می کند.

نئولیبرالیسم یعنی بی قانونی. یعنی زنان سرپرست خانوار را بدون هیچ حمایتی ول کنی به حال خودشان و از ثروت عمومی که باید طبق اصل ۲۹ قانون اساسی آنان را تامین و پوشش دهی مضایقه کنی تا در مترو دستفروشی کنند و یا به فاحشگی روی بیاورند.

نئولیبرالیسم یعنی زنان را استخدام کنی به جای مردان برای اینکه به آنان مزد کمتری بدهی و وادارشان کنی که کار بیشتری انجام دهند.

نئولیبرالیسم یعنی وقتی جوانان مرز نشین بیکارند نه تنها برایشان کاری جور نکنی و بیمه بیکاری بهشان ندهی بلکه وقتی مجبور به کولبری هستند بسویشان شلیک کنی و خانواده ای را داغدار کنی.





### قوجا کیشی جورابا جفتی چند؟ - ۵ هزار تومان

مرد حسابی دیروز هم می گفتی ۵ تومن، چرا مسئولین رسیدگی نمی کنند نباید قیمت چیزی دو روز همان باشد باید یک جفت جوراب الان می شد ۱۰ هزار تومان فردا ۱۵ هزار تومان. اگر قیمت ها ترقی نکنند کشورمان عقب می ماند. اگر قیمت جان انسان و دستمزد کارگر روزبروز عقب بیافتد مهم نیست، قیمت اجناس باید هر روز بالا برود می دانی چرا؟؟؟ قیمت جان انسان به آگاهی و نادانی و خرافات مربوط است نه به دلار و.....



✔ تصویری از زنان کولبر که در حال استراحت کردن هستند

✦ زنان کولبری که کمتر اسمی از آن‌ها برده می‌شود .

✦ سال‌هاست کسی از درد و رنج‌تحمیلی بر آن‌ها خبری ندارد. دشواری این برای زنان کولبر دو چندان است .

✦ بیشتر آن‌ها سرپرست خانوار هستند و در نبود حمایت، راهی جز کولبری در مناطق مرزی ندارند.

**روز جهانی زن بر شما هم شادباش!**



### کولبری، سوختبری!

یک درد مشترک. هر دو حق زیستشان گرفته شده و از هر طرف که بروند بن بست مرگ است! نزن سرباز. من برای "نان" رنج گذشتن از صخره ها و رودهای خروشان را بر کول میکشم. صدای تفنگت از صدای کودک گرسنه ام سهمگین تر نیست. نمیتوانی مرا باز داری. کول من از برای نان است و تفنگ تو برای کشتن نان آور. به درازای تاریخ هیچ تفنگی صدایش از صدای گرسنه بلندتر نبوده است...

نزن سرباز



اینجا بیمارستان رازی اهواز است. "حال همه‌ی ما خوب است، اما تو باور نکن..."  
روز جهانی زن بر تو زن قهرمان کشورم هم، شادباش!